



تاریخ زرین نیکوکاری

بخش دوم : نیکوکاران همکدان

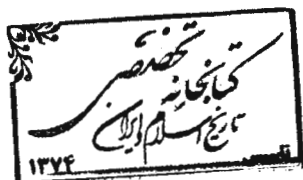
ارویشته ماه ۲۵۳۷ شاهنشاهی

اسکن شد

تاریخ زرین نیکوکاری

بخش دوم : نیکوکاران همکدان

این کتاب تعداد ۲۰۰۰ نسخه در فروردین ماه ۱۳۵۷ در چاپخانه کاویان به چاپ رسید



پیشگفتار

آنچه به نام «تاریخ» خوانده میشود همواره نمایانگر کوششهای آدمی در پاسداری از تکیه‌گاه خویش یا بهره‌گیری از سبزه‌مینیهای آباد شده و شهرهای ساخته شده و مرعزارها و کشتزارهای دیگران به بهانه‌های گوناگون سیاسی و یا اقتصادی است. چنانکه کولی تاریخ را باین انگیزه نوشته و گاه ساخته و پرداخته کند که رویدادهای دگرگون‌کننده زندگی آدمیان را تنها در میزبانی نگاه داشت سودهای خویش یا زیان رساندن به دیگران، برای آنکه همواره در یاد بماند، نویسنده باشد.

کمتر تاریخی را میتوان یافت که در بار گفت و ویدادهای کوچکی زندگی آدمیان نیز نگرش داشته و نگاه اگر به نام «تاریخ اجتماعی» نوشته‌ای از پیشینیان بازمانده باشد، چنانکه بیدوشاید خواننده از رویکردهای رفقا و روشهای زندگی و همبستگی و همروزی به دیگران نمی‌آگاهاند. درست است که از دیرباز به ویژه با پیدایش دستان و اوقاتی و شاید با برداشت از آرزوهای جاودانی مینوی ایرانی: پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک اندیشمندان جهان رستگاری را از راه نیکوکاری شناخته و شناسانده اند و این پیام آسمانی همواره بار گفته شده است که: بهترین مردمان آنست که برای دیگران سودمند باشد. از آنجا که باین پیش این آموزشها در راه نیکوکاری کام

برده‌شته دیر دروازه‌ی دستکاری رسیده اند کمتر نام و نشانی در تاریخ‌های نوشته که ثبت مانده است، بازمانده
 و چه بسیار مردان و زنان پاکدل که در این سرزمین باستانی که خود یکی از گهواره‌های پیوسته پویای فرهنگ جهان
 است، بنیادهای نیکوکاری برپا داشته‌اند، و بتان با، آسایش سراها، کودکسراها، آب‌انبارها، پل‌ها،
 کاروانسراها و بنیادگاه‌ها ساخته‌اند که مادی‌شواری می‌توان نامهایشان را از راه پژوهش و کندوکاو جست‌وجو
 شناخت. آیا این فراوانی را نباید ناروا دانست؟ در گذشت من از امکان برترین و زیباترین و میرکسای‌آمی
 نیک‌اندیشی و نیکوکاری است، پس چرا نباید نام بلند و ولای نیک‌اندیشان و نیکوکاران در تاریخ ویره
 نوشته نشود و چرا نباید در کنار تاریخهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هنری تاریخ نیکوکاری جای
 شایسته‌ای را ویژه‌ی خود بخشد؟ مگر نیکوکاری سرآمد هنرهای آدمی نیست؟

از بهنگامیکه به دستور و الا حضرت شادخت شروع به پوی، جنبش ملی نیکوکاری آغاز شد شناسایی نیکوکاران
 مگره‌کنای کار دیگرانند، سود خود را در سود دیگران می‌جویند و بادلهای مهربان از دیدن کودکی بی‌ماد
 مفروراید شک در چشمهای خود می‌شاند و دستهای نیرومند توانای خود را برای دستگیری دروشتای
 ناتوان از زبان برادران و خواهران خود می‌گذارند و با چه کوششهای این جنبش مرمی شد و سخت‌ترین بار تاریخ
 نیکوکاران فارس در اردیبهشت ۲۵۳۶ شابهت‌های نیکوکاران برگزاری دومین همایش جنبش ملی نیکوکاری
 پنخشد و اینک نیز تاریخ نیکوکاری در استان همدان به دست خواهند گان آن میرسد و همچنان
 این کوشش پی‌گیری خواهد شد تا نیکوکاران دیگر استانها شناخته و شناسانده شوند و سرانجام تاریخ
 نیکوکاری این سرزمین باستانی فراهم آید تا بوسیله کس پوشیده نماند که ما سرسپر دکان به پند نیک
 و گفتار نیک و کردار نیک مگر از این فرمان‌های یزدانی را از یاد نبرده ایم.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند تر باشد

(قرآن مجید)

سلام بر انسانها، انسانهایی که قلبی رئوف و مهربان دارند. درود بر انسانهایی که نیکند و ذره‌ای اذریای خصلت خداوندی را دارا هستند، کاری نیکو میکنند و از کرده خود خرسند و خوشنودند. سلام و درود بر انسانهایی که قلبشان بادیدن کودکی بی سرپرست می‌لرزد و با مشاهده یتیمی اشک در چشمان ملکوتیشان حلقه می‌زند. وقتی از نیکی صحبت میشود و از دستگیری سخن بمیان می‌آید این تصور غلط در اذهان پدیدار میگردد که باید خوبی و احسان را يك طبقه بخصوص مثلاً ممولین انجام دهند، در صورتیکه این تصور غلط محض است چون کیفیت خوبی و نیکی مهم است و هر کسی میتواند در آن سهمی داشته باشد. کمک مالی هر چقدر هم کم باشد باز قلب یتیمی را مرهم خواهد نهاد. یتیمی که روزگار غدار سایه پدر را از سرش دور ساخته و او را تنها و تنها در این دنیای بی سرو ته رهايش نموده است.

دستهای کوچک و ضعیف این فرزندان را شما ای مردان نیکو و ای مردان خدا در دستهای پرمهرتان بگیرید و بر گونه‌شان بوسه‌ای از مهربانی بزنید و دستهای

بر عطف وفتان را بر سر این یتیمان بکشید و گرد و غبار غم را از چهره معصوم و پاکشان
بزدائید و آنوقت عرش خدا را تماشا کنید. تماشا کنید چگونه فرشتگان آسمان بر
شما آفرین میگویند. بر شما ای مؤمنان ای افضل مخلوقات.

انسان با خوبی زاده شده و دوری از آن برایش غیر ممکن است. من و تو،
ما و شما همه بنده خدائیم و جز خوبی از ما انتظار دیگری نمیتوان داشت. کدام
انسانی است که با مشاهده گرسنه‌ای قلبش ریش ریش نشود و کدام انسانی است که
در تنعم زندگی کند و انسانی دیگر از درد بیماری در نهایت بیچارگی بمیرد و قلبش
بدرد نیاید؟

من خدایم را با خوبیهایش می‌شناسم. من خالقم را با خاطراتی که خوبی رادر
وجودم بود یعنی نهاده و سرشتم را با نیکی سرشته است سجده میکنم.

از وقتی که اجتماعات انسانی بوجود آمده است هم انسانها بر این بوده است
که از هموعان خود دستگیری کنند. انسانهای اولیه وقتی شکاری بدست می‌آوردند
بাহزار زحمت آنرا بین هموعان خود تقسیم میکردند و در این مواقع حتی ناتوانان،
پیران و کودکان سهم بیشتری میبردند. آیا این عمل را بغیر از اینکه خداوند
وجودمان را با خوبی سرشته است چه تعبیر دیگری میتوان کرد.

اجداد ما از قرنهای پیش در ایجاد کارهای عام‌المنفعه پیش قدم بوده‌اند. وقتی از
راههای قدیمی این آب و خاک سفر میکنیم به کاروانسراها، استراحتگاهها، آب‌انبارها
و مساجد در وسط بیابان میرسیم ناگهان بیاد اجدادمان می‌افتیم و غرق در سرور و غرور
میشویم آری ایرانیان با داشتن چنین خصلت همیشه مورد احترام و ستایش جهانیان
بوده‌اند.

تمام انبیاء که از طرف خداوند مبعوث شده‌اند همه بر نیکی فرمان داده و
پیروان خود را بآن دعوت نموده‌اند. ادریس از نواده‌های آدم و اولین کسی
است که پس از آدم و شیت بمقام پیغمبری نایل گردید. او درباره نیکی چنین می‌گوید:
«بهترین شکرانه نعمت‌های خداوند، احسان و نیکی به بندگان اوست».

ایرانیان باستان و فرامین وادیان آنها در باره نیکی

طبق گواه تاریخ، نیاکان ماهیچگاه بیدین و بی اعتقاد نبوده اند و تا آنجائی که مورخان نوشته اند و حتی پیش از آن، که دست مورخان و تاریخ نویسان و راویان از آن کوتاه است، ایرانیان باستان همیشه معبودی را می پرستیدند و به خالق ایمان داشته اند و گاهی عوامل طبیعی و پدیده های آنها بعنوان مظهر خداوند و یا رابطه بین خالق و مخلوق میدانستند و آنها پرستش می نمودند.

سنگی که در باختر ایران بدست آمده و تاریخش به بیش از ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میرسد پرستش عوامل طبیعی بعنوان رابط بین خداوند و انسانها تا اندازه ای دانسته میشود.

نخستین و کهن ترین دین ایرانیان که مورخان بآن اشاره کرده اند پرستش خورشید بوده است که پیروان آن بنام مهریان یا پرستندگان خورشید مشهورند. مهریان یا پرستندگان مهر مانند خورشید که انوارش را بیدریغ بر هر موجودی چه ضعیف و چه قوی، چه خرد و چه کلان می تاباند این صفات را از خورشید گرفته

بودند و میتوان گفت مهریان اولین انسانهایی بودند که سنگ بنای نیکي را در جهان بنیاد نهادند.

در سال ۱۹۲۶ در کاوش‌هائی که باستان‌شناسان در دیورگ آلمان می‌نمودند لوحه‌ای یافتند که مخصوص نیایشگاه مهریان بود که بر بالای آن نوشته شده بود: «این جایگاه نیکي بخش و سپنتا (مقدس) جایگاه پارسیان است و سودش ویژه همگان میباشد.

این مدرک زنده‌ایست که ایرانیان باستان و مهریان اولین اقوامی بودند که بگواه تاریخ نیکي را یافته و در آن راه قدم گذاشته‌اند.

پیروان مهر کم‌کم از ایران رخت بر بستند و در تمام جهان پراکنده گردیدند و در حقیقت نیکي را در جهان پراکندند و رواج دادند. مهریان در تمام اروپا مخصوصاً در روم مستقر شدند و تخم نیکي را در آنجا افشاندند. نوشته‌هائی که در کاوش‌های باستان‌شناسان بدست آمد دال بر نیکي و نیکوکاری نیکمردان ایرانی است که مختصری بعنوان نمونه تقدیم خوانندگان میگردد.

«گروندگان بر شماست که بهنگام سخت زندگی هم گام و هم آهنگ با یکدیگر به برگزاری آئین‌های دینی بپردازید زیرا علت برگزاری اینگونه آئین‌ها، یاری همگان و برآوردن نیازمندیها، انجام خویشتنکاریها (وظایف) و نشان دادن ویژگیهای مردی (انسانی است)».

زروان

چنانچه در بالا مذکور افتاد مهریان یا پرستندگان خورشید نخستین نیکوکارانی بودند که بر گهای تاریخ از کارهای نیک این نیکمردان مزین است. علاوه بر مهریان زروان دومین دین ایرانیان نیز همانند دین مهریان میباشد که پیروان آنهم به نیکي و نیکوکاری مشهورند و در تمام این دین گروندگان را به نیکي و احسان نوید میدهد. زروان زمان را هستی دار و هستی بخش و هستی بان میدانستند چنانکه زرتشت زروان

را آفریده اهور مزداى خدای نیکوئی دانسته است.

نیکی در دین زرتشت (زردهشت)

با پیداشدن زرتشت آئین یکتا پرستی (پرستش اهورا مزدا) میان ایرانیان رواج یافت. اززندگانی آن مرد دانشمند وفرزانه ایرانی اطلاعی زیادی وآگاهی درستی دردست نداریم برخی از مورخان زادگاهش راخراسان وپاره‌ای زادگاهش را آذربایجان دانسته‌اند. درباره تولد این فرزانه واین راهنمای پیشین ایرانیان نیز همانند زادگاهش روایت‌ها ناهمساز ومتفاوت است. گروهی تولدش را ۱۱۰۰ سال پیش از میلاد وبرخی ۲۰۰۰ سال پیش وبالاخره پیروان این دین ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد دانسته‌اند.

زرتشت اولین پیغمبری بود که مردم را به یکتا پرستی وپرستش ذات لایزال الهی دعوت نمود و سومین دین را برای ایرانیان بارمغان آورد. دعوتش یکتا پرستی ، فرمانش نیکی وورد زبانش پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک بود. اندرزهایش که تا مغز استخوان نفوذ میکند چراغ راهنمایی است دردل شبهای تار در کوره راهی سخت وسنگلاخی که انسان را بیدار کرده و هشدارش میدهد و در گوشش میخواند که:

بیائید ای مردم

یکدل ویک زبان

به پرستش خدای نیکی دوست بپردازیم

واز او یاری خواهیم

تا ازبدی و کژی دور شده

براه راست وپسندیده که اهورامزدا استوار

گردیم

نیکوئی کنیم تا نیکوئی ببینیم.

زرتشت آن نیکمرد زمانه زندگی کردن را برای دیگران لذت بخش میداند و خوشبختی را در خوشی دیگران مییابد چنانکه فرمان میدهد.

«خوشی برای کسی است که برای خوشی دیگران میکوشد». او پیروانش را در این راه به مسابقه دعوت نموده و نوید میدهد که کسانی که در پندار نیک و کردار نیک از دیگران پیشی جویند خوشبخت‌ترند و به اهورامزدا مقرب‌تر. زرتشت سفارش میکند که حتی بایگانگان و ناآشنایان نیکی کنید تا به اطراف شما گرد آیند و بدین طریق مردم را نیز به نیکی و نیکوکاری دعوت نمائید. و بانیکی در تنگنای زندگی همدیگر را خوشنود سازید.

هر که فریاد رس روز مصیبت خواهد
گو در ایام سلامت بجوانمردی کوش
بنده حلقه بگوش ار ننوازی برود
لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه بگوش

زرتشت خشنودی خداوند را در خشنودی خلق میداند و میگوید:

«خداوند از کسی خشنود میشود که بریاری خرد و فرمانهای دین راه‌نیکی و نیکوکاری برگزیند».

او راه کمک و دوستی و نیکی را راهی میداند که انسان را به کعبه سعادت میرساند او میگوید که:

«خیر با شر همیشه در مبارزه است و نیکیها بر بدیها پیروز خواهد شد و لشگریان نیکی (اهورا مزدا) در مبارزه بالشگریان سیاه دل‌بدیها (اهریمن) مظفر و پیروز است».

زرتشت نه تنها پیروانش را از آزار و اذیت هموعان خود بر حذر داشته و آنها را به شاهراه نیکی و احسان و همکاری دعوت نموده است بلکه آسیب رسانیدن به حیوانات را نیز گناه شمرده است و فرمان میدهد که به حیوانات نیز خوبی کنید و اهورامزدا را باین عمل از خود خشنود سازید:

«بدام انداختن یا گرفتن حیوانات وحشی باید آنچنان انجام گیرد که ببدن

آنها کوچکترین آسیبی نرسد. ستم بجانوران سودمند، کندن پرپرندگان، شکار حیوانات و کشتن آنها بدون جهت و هم چنین گرفتن ماهیان بطوریکه بی فایده شوند از گناهان بزرگ بشمار میرود. بخش پانزدهم دینگرد».

با این توصیف ببینید که اذیت انسانها چه گناه بزرگی محسوب میگردد و نیکی کردن و نیکوکاری خدمت بهمنوع، دستگیری از بیچارگان و فقیران چه اجر عظیم و بزرگی دارد.

در دین زرتشت استفاده از آلت و حربه بعنوان انهدام نیست و نابود کردن جانداران گناه بزرگی است و فرمان میدهد که از این موهبت الهی و آلات و ابزار باید برای نیکی و آسایش مردم استفاده شود. از قدرتها، از کشفیات، و از آلات و ابزار باید به نحو احسن و برای آسایش هموعان بکار گرفت چنانچه کورش از قدرت خود برای بسط عدالت و آسایش مردم استفاده کرد که نیکی و احسان او در بابل و سایر کشورهایی که باسارت کورش در آمده بودند تحسین همگان را برانگیخت. کورش با تمام قدرت و اقتدارش و با وجودیکه بابل و سایر کشورهای مغلوب که باسارت او در آمده بودند. بهمه حقوق مساوی و برابر بخشید و همگان در سایه این آزادی و برابری و مساوات بهزندگی خود ادامه دادند و در سایه نیکی بآرامی زیستند.

هنری بر Henri Berr دانشمند فرانسوی در تمدن ایران در بساره کورش

مینویسد:

«این شاهنشاه بزرگ، واژگون شاهان سنگدل و ستمکار بابل و آشور، بسیار دادگر و مهربان بود. زیرا زیست و زندگی ایرانی و فرمانهای سرشتی آنان بر بنیاد آموزش زرتشت است از همین روی بود که شاهنشاهان هخامنشی خود را دارندهی ویژگیهای (خسترا) میشمردند و همه توان و نیروی خود را از خداوند دانسته و آنرا برای نیکی مردم و آسایش و نیکبختی فراگرد مردم (جامعهی انسان) بکار میگرفتند»
نه تنها کورش و داریوش که مظهری از انساندوستی و نیکی بودند سایر پادشاهان هخامنشی هم که پیرو زرتشت بودند در احسان و نیکی بمردم زبانزد خاص و عامند

چنانچه در کتیبه خشایار شاه آمده:

«وقتی که من شاه شدم بسیار ساختمانهای عالی بنا کردم . آنچه را که بوسیله پدرم کرده شده بود من پائیدم و کار دیگری اضافه نمودم. آنچه من بنا کردم و آنچه را که پدرم بنا کرد همه آنرا بخواست اهورامزدا کردیم».

آری پادشاهان هخامنشی در پیروی از آئین زرتشت آن نیکمرد زمانه و آن فرزانه نیکوکار و نیکواندیش و آن دوست شفیع انسانها و حامی بینوایان که با گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک یکدنیا احسان و خوبی برای بشریت بارمغان آورد. نیکی کردند، عمارات متعدد بنا نهادند، و ایمان بخدای یکتا داشتند و برای خوشنودی اهورامزدا و برای ارضای اونیکی و احسان را سرلوحه زندگی خود قرار داده و با این عمل نام جاودانه یافتند گرچه خود بعد از صبحی رخت از این جهان بر بستند.

زنده است نام فرخ و نوشین روان بخیر

گرچه بسی گذشت که نوشین روان نماند

خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر

زان پیشتر که بانگ بر آرند فلان نماند

نه تنها پادشاهان هخامنشی بلکه سایر سلسله‌ها نیز که در ایران حکومت داشتند

دارای پادشاهانی عادل بودند و مردم نیز بمصداق (الناس علی دین ملوکهم) نیکی و احسان را پیشه خود ساخته و در کمک بهمنوع و دستگیری از بیچارگان از همدیگر پیشی می‌جستند.

از پادشاهان هخامنشی که اکثرا به عدل و عدالت شهره آفاق بودند بگذریم پادشاهان ساسانی را بهمین ترتیب در عدل و نیکی و بخشش سرآمد دیگر پادشاهان می‌بینیم چنانچه اردشیر وقتی تاج پادشاهی بر سر نهاد چنین گفت:

«اهورامزدا را سپاس میگوئیم که نعمت خویش را خاص ما کرد و موهبت و

برکت خود را بآباد داد. بدانید که در راه داد گستری و گسترش فضیلت و استقرار آثار نیک و آبادانی شهرها و مهربانی بمردم و آبادی کشور و مرمت آن بناها که ویران شده همی‌کوشم».

چقدر پرارج و پرمعنی است سخن بهرام گور که میگوید:
«چنان باش که مردم از تودر آسایش باشند ، چنان مباش که تو از مردم در
آسایش باشی».

خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

و یا سخن خسرو پسر قباد که میگفت: «از نیکان باش تا ملکوتی باشی» . این
جمله عین حقیقت است. در جبین انسانهای مؤمن و نیکوکار نور ملکوتی می درخشد،
نوری که از قلوب پرمهر و شفقت آنها سرچشمه میگیرد قلبی که بانگاه حسرت بار
یتیمی و با اشک بینوائی بر خود می لرزد، بحق باید دارای چنین نور ملکوتی باشد.
باز از نیاکان خود و از پادشاهان نیکوکار گذشته سخنی بمیان می آوریم و با
یادآوری نیکیهای آنها بیادشان ارج می نهیم و در برابر این همه نیکی سر تعظیم فرود
می آوریم. بی شک دادستان زنجیر عدل انوشیروان را شنیده اید. آن رادمرد جهان و
آن عادل عدل گستر و آن کسی که پیغمبر اسلام درباره او فرمود (ولدت فی زمن
ملك العادل). در کتاب رفتار نامه چنین گوید:

«چنان دانسته ام که سپاسگزاری گونه ای با گفتار است و گونه ای با کردار،
چون در کارها نگریستم که کدام نزد خداوند پسندیده است دیدم چیزی که بسا آن
آسمانها و زمین برپاست و کوهها برجا و جویها روان و آفریدگان آفریده ، و آن
راستی و داد (نیکوکاری) است. دیدم که میوه راستی و داد آبادی سرزمین هاست که
مایه زندگی مردم و ستوران و پرندگان و همه جانداران روی زمین باشد».

زینده چنین پادشاه عادل و وزیری هم چون بزرگمهر باید که با گفته اش که:
«همه چیز از میان رفتنی است مگر پارسائی و نیکوکاری که هرگز خراب
نگردد و یاد نیکش بکار باشد».

در قلبها انبساط ایجاد میگردد و ما با شنیدن این جملات بر خود میالیم که
دارای چنین اجدادی بوده ایم. آن زمانی که ملل دیگر دنیا را به خاک و خون کشیده

بودند و هم چون گرگان همدیگر را می‌دریدند ما پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک را سر لوحه زندگی خود قرار داده بودیم. در بساط زرتشت و دین اوسخن را کوتاه می‌کنیم و به دینی دیگر و عقیدتی دیگر از پیامبران می‌پردازیم و فرامین آنان را درباره نیکی و نیکوکاری می‌خوانیم.

نیکی از دیدگاه مانی

مانی با آمیختن آئین ایرانی و آئین مسیحی در قرن سوم میلادی آئین مانی را پایه نهاد که پیروانی یافت تولد او را ۲۱۶ بعد از میلاد گفته‌اند. مانی از خاندانی ایرانی و نژاد اصیل ایرانی بود. او یک فرزانه، یک هنرمند و یک پزشک بود که در سن ۲۶ سالگی نام او پر آوازه گشت و پیروان زیادی یافت که در ایران، خاورمیانه، آسیای میانه، و خاور دور و چین پراکنده بودند.

مانی نیکی و بدی و روشنی و تاریکی را پایه های استوار دین خود دانسته است که راهبان نیکی و روشنی به خوشبختی و به بهشت جاوید راه خواهند یافت و رهسپاران بدی و تاریکی فرجامی جز نکبت و خواری ندارند. مانی در دین خود مکرر در مکرر در پیامهای خود به مهر و نیکی فرمان داده است بایک بررسی کوتاه وزود گذر در دین مانی این حقیقت را روشن میسازد که آئین او بر اساس نیکی و احسان پی ریزی شده است.

مانی در یکی از نوشته‌های خود به پیروانش می‌گوید:
 «مردم نیک تنها خوراك روزانه و جامعه سالانه خود را دارند». با این فلسفه فرمان می‌دهد که تجمع ثروت و مال دنیا کاریست بیهوده و باید مازاد آنرا به فقیران و مستمندان داد چنانکه از این گفته‌ها و فرامین استنباط می‌گردد مانی به نیکوکاری و احسان دل‌بستگی شدیدی داشته و پیروان خود را باین خصلت آراسته و بآن فرمان داده‌است.

نیکی و نیکوکاری از دیدگاه مزدك

در روزگار ساسانیان مرد اندیشمند و خیرخواهی در ایران زمین بنام مزدك پدید آمد. مزدك فرزند همدان بود. آئین مزدك بر اساس (برابری مردم) پی‌ریزی شده بود. دین مزدك را شاید بتوان دست‌چینی از دین مانی و دین مزدیسنی دانست. در زمان ظهور مزدك درباریان و طبقه اشراف دارائی زیاده از حدی داشتند و هر يك چندین زن می‌گرفتند و از كمك به هم‌نوعان و دستگیری از مستمندان نیز غافل بودند و در نتیجه اکثریت مردم یعنی دهقانان و مردم ساده و زحمتکش از نعمات زندگی بی‌بهره و نصیب بودند. تا اینکه مزدك پدید آمد و تا اندازه‌ای این شكاف را از بین برد و دو طبقه را بانیکى و احسان و تقسیم دارائی بهم پیوند داد.

زمان ظهور مزدك مصادف با پادشاهی عادل و نیکوکار بنام غبار بود، مزدك در زمان خود چنان پیشرفت کرد که غبار پادشاه ساسانی نیز پذیرائی دینش گشت او بر دهش یکسان و همگان فرمان داد و میخواست که همگان در برابر کار و کوشش از ویژگیهای نيك زندگى برخوردار شوند غبار پادشاه ساسانی چنان پذیرای گفتار و اندیشه مزدك بود که به پیشنهاد او دريك خشکسالی که مردم از كمبود آذوقه می‌مردند در انبارهای دولتی را گشود و بین مردم تقسیم نمود. در دین مزدك اندیشه بر این است که روشنی به تاریکی و نیکی به زشتی چیرگی می‌یابد. شواهد فراوانی در دست داریم که مبنی بر دستورات مزدك پیرامون كمك به بیچارگان و دستگیری از مستمندان و ایتم می‌باشد و اکنون برای روشن شدن اذهان خوانندگان عزیز بنامه الفهرست

مینگریم که در آن پیرامون نیکی و کوشش‌های نیکوکارانه مزدك و مزدکیان دادسخن داده و در باره نیکی به میهمان چنین میگوید:

«هیچ چیز را نباید از میهمان دریغ داشت گرچه از خاندان شما و یا هم میهنتان نباشد». بر اساس عقیده بسیاری از پژوهشگران بخش بزرگی از کارهای نیکوکارانه غبار آن پادشاه نیکوکار و خیراندیش ایران زمین به پیروی از فرامین نیکوکارانه مزدك صورت گرفته است.

دین مسیح و گفتار او درباره نیکی

از روزگاری که مسیح در کنار دریای جلیل تعلیم میداد و مردم را بسوی خدا و بسوی راستی و رستگاری فرا میخواند قریب دوهزار سال میگذرد و در این مدت تقریباً طولانی تمدنها و آداب و رسوماتی گوناگون بوجود آمده و از بین رفته‌اند قدرتهای بزرگ امپراطوریهای عظیم. امپراطوریهای که آوازه آنها گوش فلك را می‌آزرد ایجاد شده و منقرض گردیده و نابود شده‌اند و آداب و رسوم و سنن ملتها از فراز و نشیب گذشته‌اند. اما گفته مسیح آن پیامبر راستین خدا مانند نوشته‌ای بر سنگ هم‌چنان محکم و همانند گلبرگهای گل تازه شکفته هم‌چنان تازه و شاداب است و کلماتش هم‌چنان در دل می‌نشیند آنجا که میگوید:

«خوشا بحال رحم‌کنندگان زیرا برایشان رحم خواهد شد. متی ۵-۳-۱۲»
آتش امید و شادی را در قلوب رحیمان روشن میکند.

عیسی مسیح بزرگترین فضیلت و برتری انسان را کمک به هم‌نوع و نجات او میداند و بارها و بارها بر این امر فرمان داده و پیروانش را به نجات و دستگیری از بیچارگان

و بینوایان دعوت نموده است. آیا این جمله که در لوقا آمده است دلیل این دعوت نیست؟

«انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات دهد»

اگر انسان این دعوت را نپذیرد و انسان را حامی انسان نداند و بر این امر معتقد نباشد که فضیلت و برتری انسان ادراک درد هم نوع و رهائی بخشیدن او از آن درد است زندگیش بی معنی و تو خالی خواهد بود و زندگی تو خالی، بدون دوام و محکوم به زوال و نیستی است.

عیسی مسیح آن فرستاده و راهنما و آن پیامبر راستین خدا پیروان خود را به نیکی و دستگیری از بیچارگان دعوت می نمود و خود مشعل نیکی را بدست گرفته و راه را با انوار نیکی و محبت برای پیروانش روشن می نمود. او به گرسنگان خوراک میداد، بیمارانش را درمان میکرد، برهنگان را می پوشانید و شاگردان و پیروان خود را از مشغله خدمت بمردم فرا میخواند تا دمی بیاسایند او فرمان میداد خدمت کنید تا روحتان آسوده باشد، نیکی نمائید تا غبار گناه از قلوبتان پاک گردد و روحتان صیقل یابد. هر چند جسم و تن اهمیت دارد ولی جسم جوهر هستی و زندگی نیست جسم و تن مقرر چیز بسیار مهمتر و با ارزش تری یعنی جان جاویدان آدمی میباشد و روزی جسم و تن بکناری گذاشته خواهد شد و فقط روح است که جاودانه و ابدیست و بوسیله عمل خیر و نیکی بمردم و بهمنوع و دستگیری از بیچارگان و درماندگان روح تقویت میگردد و تا ابد آسوده میشود. تن بمثانه چوبه داریست که برای مدتی کوتاه کوتاها تر از آنچه در تصور است افراشته شده تا روح و روان جان آدمی چندی بر بالای این چوبه قرار گیرد و بعد از این مدت کوتاهاست که ماهیت و معنویت روح هویدا میگردد و آن فقط در موقعی است که انسان با عملی نیکو، اگرچه ناچیز و بسا قدمی استوار اگرچه خیلی کم و بالاخره با هر چه مقدور است با بیچارگانی که به قهر زمانه دچار گشته اند خدمتی بکند و در درد آنها شریک گردد و غبار غم را از چهره مصیبت بارشان بزداید. و با تبسمی دل ناشاد یتیمی را که از مهر پدر بی بهره است شاد سازد. و بدرستی

این خصلت بزرگترین فضیلت و برتری انسان است. و عیسی نیز همگان را به انجام کار نیک و دستگیری بینوایان فرا میخواند .

برعکس ادبیات معاصر همانند اگزیستانسیالیست منحرف فرانسه که انسان را مشتاق گل و لجن و حیوانی شرور و بی عاطفه معرفی میکند عیسی مسیح انسان را بسوی نیکی سوق میدهد و لزوم و نتیجه خوبی و نیکوکاری را بما متذکر میشود تا با این اعمال قلبها صیقلی شده و دنیا روی آرامش و صلح و سعادت ببیند .

عیسی میگوید که خوبی و نیکی از درون روح برمیخیزد، روحی پاک و بی غل و غش. و میگوید . «آدم نیکو از خزینۀ خوب دل چیز نیکو برمیآورد و شخص شریر از خزینۀ بد دل خویش چیز بد بیرون میآورد زیرا که از زیادتی دل زبان سخن میگوید. لوقا ۶: ۴۵» . عظمت و شکوه و پایداری انجیل آن کتاب آسمانی در این است که دل و درون ما را متغیر میسازد و قلوب بدو بی تفاوت را پاک ساخته و دلی دیگر جایگزین آن میسازد .

مسیح آن پیامبر خدا و آن رسول نیکیها آهنگ آن ندارد که نفسانیات پست روان ما را تحت فشار قرار دهد و خصایص فطری ما را خاموش کند وی این نیروها به راهی نور هبری میکند و خواستهای نودرما پدیدار میسازد و تخم مهر و محبت، و نیکی و انسانیت و رحم و شفقت در دلهای ما میکارد او مردان و زنان قوی میسازد و روح آنان را با نیکی عجین میکند و در آنها محرکات و انفعالات نو و تازه ای ایجاد می نماید محرکات و انعکاساتی که عیسی می آفریند عواطف انسانیت است. نیکی و انسان دوستی است و فرامین او همانست که خدای وی دوست دارد و از اعمال نیک بندگانش خوشنود و مسرور میگردد .

مسیح روان آدمی را پاک و آزاد میسازد و مقرر میدارد که پاک و بخشاینده باشند و نیکی را پیشه خود سازند. او شرط رحم بر انسان را رحم به هم نوع میداند و سفارش میکند که رحم کنید تا بر شما رحم شود .

عیسی بما میآموزد که انسانیت درد و صفت خلاصه میشود یکی فروتنی است

است و دیگری محبت و کمک به هممنوع و فروتنی بمنزله زمینی است که در آن همه نیکیها نمو میکند و بی آن اساس فضیلت واقعی ریشه نگرفته و نتیجه آن انقراض و نیستی است .

فروتنی در برابر غرور است و غرور بیجا همان صفت زشتی است که مردم را از کمک به هممنوع باز میدارد و آنها را به بدبختی گرفتار ساخته و در برابر خالق و حقوق دیگران به عصیان و امیدارد . غرور همان مغزو اساس گناه است و این همان راهیست که به فلاکت و بیچارگی میانجامد . عیسی بجهان آمد تا نیروی غرور بیجا را نابود سازد و انسانها را با همدیگر آشتی داده و آنها را نسبت بخداوند بزرگ فرمانبردار و نسبت به بندگانش رئوف و بخشاینده سازد تا از نتیجه آزادی و صلح ، برابری و برادری ، کمک به هممنوع و دستگیری از بیچارگان و فقیران بوجود آید . عیسی بجهان آمد تا دیگر یتیم در مانده از درد فقدان پدر اشگ حسرت از دیدگان اشگبارش که هم چنین گوهری است نریزد و قلب کوچک و پاکش با دیدن کودکی که دست دردست پدر گرفته لرزد و آهی سرد از سینه داغیده اش نکشد . زیرا اشگ یتیم عرش بی انتهای خداوندی را به لرزه می افکند و خداوند مهربان دیدن اشگ یتیمی را که از درد بی پدری می نالد دوست ندارد .

قطره اشگی دیدم از چشم یتیم افتاده است

گفتم الماسی گران بر زیر پا افتاده است

هر که بشمارد سرشگ بینوایان را بهیچ

این مسلم دان که از چشم خدا افتاده است

عیسی فروتن بدنیا آمد و فروتن نیز چشم از دنیا بر بست تا بیچارگان احساس حقارت نکنند و مسکینان از بیخبری خود رنج نکنند چنانکه در متی ۱۱-۱۸-۲۹ میگوید : «بیائید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران من شما را آرامی خواهم بخشید یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم افتاده دل میباشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت» .

فروتنی را باید با محبت و نیکی درهم آمیخت تا نتیجه‌ای مطلوب و میوه‌ای شیرین دهد که همان باعث تقرب و قلوب هموعان می‌گردد. وقتی دست بیچاره‌ای را بگیرید در قلب خود احساس آرامش میکنید. و در آن حالت است که خدا در قلبتان جا گرفته و فرشتگان بر شما درود می‌فرستند.

محبت و نیکی قانون اول و اساسی خداست و این اولین و مهمترین حکم اوست عیسی فرمان میدهد که همدیگر را دوست بدارید، فروتن باشید و بهمدیگر نیکی کنید و با این عمل روحان را صیقل دهید. و خدایرا از خود خوشنود و خرسندسازید. «یکدیگر را نیکی کنید چنانچه من شمارا محبت کردم. یوحنا ۳: ۳۴». مسیح تا آنجا در باره محبت بیکدیگر پیش رفته که میگوید:

رابطه بین انسان و خدا محبت است و محبت همان چیز است که ما را بخدا پیوند میدهد و آنکه از محبت بی‌خبر است خدا را نمی‌شناسد».

هم‌چنین چنانکه در رساله اول یوحنا ۴: ۸ آمده:

«کسیکه محبت را نمی‌شناسد خدای را نمی‌شناسد زیرا خدا محبت است». در سراسر اناجیل هیچ‌جا نیست که دردمندی، بیماری، فقری، نزد عیسی نیاید و عیسی او را آسودگی نبخشد او همیشه برای کمک به بیچارگان آماده بود و در رحمتش بر روی هر بینوائی گشوده مسیح هیچگاه تحمل درد بیچارگان را نداشت و وقتی دردمندی از وی کمک می‌خواست بیاریش می‌شتافت. و از آنان دستگیری می‌نمود و مفلو جان را شفا میداد و بآنها محبت می‌نمود.

گدای کوری نزد مسیح می‌آید و فریاد بر می‌آورد:

(ای عیسی بن داود بر من رحم کن. مرقص ۱۰: ۴۷). و عیسی فریاد دردناک

گدای کور را جوابگو میشود و میگوید:

«چه میخواهی از بهر تو کنم». مرد پاسخ میدهد:

«یا سیدی آنکه بینائی بیابم. مرقص ۱۰ - ۵۱». و بیدرنک دیدگان نابینا

باز میگردد.

هر لحظه ای که میگذرد از عمر ما کاسته میشود و در پایان این بازی مرگ با گامهای شمرده و در جاده زمان با استقبال ما میآید و در برابر ما پدیدار میگردد و ما را از این سرزمین با تمام دلبستگیهای که داریم و با تمام عشقی که به زندگی و زنده بودن ابراز می کنیم در یک چشم بهم زدن میرباید و هدفها و آرزوهایمان را که سالها در مغز و در مخیله خود جا داده ایم و برای نیل بآن آرزوها دست و پا زده ایم و تلاش کرده ایم بر باد میدهد . پول نمیتواند مرگ را سودا کند مرگ به کاختهای سر به فلک کشیده توانگران همانند کلبه محقر درویشان راه می یابد ، شأن و مقام ، پول و ثروت ، قدرت و مکنت در برابر او همانند فقر و فلاکت است و همه چیز را بیک چشم می نگرد . قانون مرگ همانقدر حتمی است که قانون حیات میباشد و همه خرد و کلان، متمول و درویش، پیر و برنا همه در برابر مرگ سرفروید میآورد و جسم خاکی به خاکستری تبدیل شده و خاکستر هم بعد از مدتی بر باد میرود. عیسی مسیح حقیقتی شگرف را درباره زندگی و مرگ جسم خاکی تأیید میکند وی بما میآموزد که مرگ پایان هستی نیست و بعد از مرگ زندگی جاودانی خواهیم یافت تن روزی بگوشه ای نهاده خواهد شد اما شخصیت واقعی و نام نیک تا ابد خواهد زیست. عیسی فرمان میدهد که با نیکی و احسان و انجام کارهای نیک زندگی خود را جاودانه سازید .

شخصی که تمام دوره زندگی کوتاه خود را وقف آسایش عموم کرده بعد از رخت بستن از این جهان آیا مرده است؟ کسی که با زحمات شبانه روزی کارهای عام المنفعه نموده و عمری را خدمتگزار جامعه بوده است آیا مرده است؟ بحق که چنین کسی نخواهد مرد و نام پر آوازه وی همیشه در صفحه تاریخ خواهد ماند.

سعیدیا مرد نیکو نام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند

عیسی دو هزار سال پیش فرمان داده که با نیکی نام خود را جاودانه سازید و عمر دنیائی زود گذر را به زندگی ابدی نفروشید چنانکه در متی ۱۶ : ۲۶ اشاره میکند:

«شخص را چه سود که تمام دنیا را ببرد و جان را ببازد؟».

عیسی زندگی ما را در زمین هم چون دوران آزمایش واقعیت مینگرد و این زندگی را دوران آمادگی برای جهانی بزرگتر و پهناتر که اساساً برای آن آفریده شده ایم میداند. و تأکید میکند که اگر ذره‌ای بخاطر خدا در این جهان احسان نمائید در جهانی دیگر هزاران برابر از طرف خدا خوبی خواهید دید و در برابر کمکهای کمی که میکنید گنج‌ها در آسمان برای خود انداخته‌اید چنانکه در متی ۶: ۲ میفرماید:

«گنجها بجهت خود در آسمان بیندوزید جائی که بیدوزنگ زبان نمیرساند. و جائی که دزدان نقب نمیزند و دزدی نمیکند».

راستی که مرگ برای نیکوکار آغاز زندگی است مرگ برای مؤمن و نیکوکار اسیر شدن در قعر گور نیست بلکه شکستن زندان فناست و راهی بسوی يك زندگی جاودانه و کامل و پرشکوه میباشد.

نیکی و احسان روان خالی را در زیر چشمه فیض الهی میبرد و درهای باران رحمت الهی را بر زمین بایر و خشک روح ما می‌گشاید و آنرا سیراب میکند. نیکی و احسان قلب را بخدا نزديك میسازد و روح را صیقل میدهد. و انسان را نزد خدا مقرب ساخته و بمقامی میرساند که فرشتگان خدا بر انسان درود می‌فرستند آری: صدها فرشته بوسه بر آن دست میزنند کز کار خلق يك گره بسته واکند

عیسی میگوید که محبت گرامیترین موهبت است. در جهان محبت واقعی همانا احسان و آخرین درجه آن فداکاری و از خود گذشتگی است و این فرمان را از یوحنا می‌خوانیم و آویز گوشمان میکنیم که:

«کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان و هموعان بدهد یوحنا ۱۵: ۱۳» مسیح آن پیامبر راستین و آن مقرب درگاه احدیت همه مردم را بدون استثنا به نیکی و نیکوکاری دعوت میکند و در این راه خیر هیچ فرقی میان مردم نیست او میگوید که همه در نیکی کردن بکوشید و پاداش نیکی

را بخدا حواله می‌نماید.

«هر کس که عملی نیکو کند پاداش آنرا از خداوند خواهد یافت خواه غلام و خواه آزاد . افسسیان ۶ : ۵ - ۸» پس بیائید نیکی کنیم و نیکوکار باشیم هم‌چنین مسیح که نیکی کرد و هم‌چنین خدا که به بندگانش نیکی میکند .

اسلام در باره نیکی چه میگوید؟

در فصول گذشته نیکی و نیکوکاری را از دیدگاه مذاهب مختلف مورد بررسی قرار دادیم و اشاره نمودیم که ایرانیان در این مورد شهره آفاق بوده و در تمام اعصار و گذشته‌ها در این راه پیشقدم بودند و نیکی و دستگیری را از بیچارگان و انجام کارهای عام‌المنفعه در خون آنها عجبین شده و در این راه حتی تا سر حد فداکاری نیز پیش رفته‌اند .

با ظهور اسلام و گسترش مکتب یکتا پرستی که برنامه کلی ادیانست و خداوند تمام پیامبران را بدان برانگیخت و اگر از لحاظ احکام بر چند متنوع و بسیار میباشند ولی تنها بر محور يك کلمه چرخیده و آن حق است و در حقیقت فرمانش یکی است و آن نیکی است. در ایران بصورت عالی‌ترو بر پایه مستحکم‌تری تجلی کرد و ایرانیانی که قبلاً با ادیان مختلف مانند دین زردشت بصفات عالیه مخصوصاً نیکی آراسته بودند با ظهور اسلام خیلی زود دریافتند که اسلام دینی است کامل و جامع و تنها دینی است که انسان را بسوی خوشبختی جاوید سوق

میدهد و همان دینی است که در مخیله آنها بوده و با بسیاری از دستورات عالیه آن آشنائی دارند ، بهمین جهت با دل و جان بدان گرویدند و اکثراً در زیر لوای اسلام به نیکی پرداختند .

تعالیم عالیه اسلام همه بر خوبیها و نیکیهاست و هیچ اصلی از اصول نیکی و رستگاری یا مبانی يك زندگى خوش و خوشبختی وجود ندارد که بینیم در این آئین فرو گذار شده باشد یعنی به تمام آنها امر گردیده و از طرفی عناصر شروتباهی هم که زندگى را نکبتبار میکنند همانند بخل ، حسد ، سلب مسؤولیت و ظلم و جور و غیره شدیداً مورد انزجار و نهی قرار گرفته است . و در عوض نیکی را ستوده و بر آن ارج نهاده است و دستگیری از بیچارگان و کمک به یتیمان و متکدیان را همدیف با نماز و روزه قرار داده است چنانکه در سوره ۹ توبه آیه ۷۰ میفرماید:

نیکوکاری بدان نیست که روی بجانب مشرق یا مغرب کنید چه این چیز یی اثری است لیکن نیکوکاری کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارائی خود را در راه دوستی خدا بخویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکوة مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به، وقع وفا کند و در کارزار، و سختیا صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند. کسانی که بدین اوصاف آراسته اند آنها به حقیقت راست گویان و آنها پرهیزکارانند،

از نظر اسلام نیکوکاری دارای دو اصلت و دو نتیجه کلی را در برابر دارد. یکی آنکه آدمی را بخدا و به خالقش مربوط ساخته و با این عمل عظمت خدا باعث خشوع و اطمینان قلبش میگردد و روحش صیقل مییابد و سنگینی زندگى دشوار از دوشش برداشته شده و با نیروئى خدائى و عزمی راسخ و راست میگردد و شخص نیکوکار دیگر از مشکلات زندگى نمى هراسد و در موقع روبروئى با آن مسویه و ناله سر نمیدهد و زندگى برایش مفرح و لذت بخش میگردد.

اصل دوم اینکه رابطه انسان با هموعانش بر اساس عطوفت و مهربانى برقرار میشود و شخص نیکوکار بین هموعان خود از يك حمایت خالصانه ای برخوردار

است و این امر باعث میشود که انسانها در برابر سختیها و بدبختیها به کمک هم شتافته و با تبادل عواطف و احساسات دردهای یکدیگر را درك و در درمان آن بکوشند در باره این دواصل فرامین مختلفی در قرآن کریم آمده و سخنانی بوسیله شارع دین اسلام و پیشوایان داده شده است. قرآن درباره این دواصل میفرماید:

«از مال خویش که آنرا دوست دارد بخویشان و یتیمان و تنگدستان و بهر اهل خانه و متکدیان و در راه آزادی بردگان دهد و نماز گزارد و زکات دهد».

از نظر اسلام، کار نیکو ثمره عقیده نیکو و اخلاق نیکوست. کسی دارای عقیده نیکوست که به خداوند ایمان دارد و خوبیهای آنرا درك می نماید. «نیکوکاری آنست که انسان بخدا و روز جزا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیغمبران ایمان آورد».

عقیده و اخلاق نیکو و ایمان بخداوند پایه عمل نیکوست که آن محبت به هموعان و خدمت بخلق خداست. شارع دین مبین اسلام برای اهل ایمان دلسوز و مهربان بود و بارمشگلات سایرین را بدوش می کشید تا توانان و بیچارگان را کمک میکرد و رحمت بی پایانش نه تنها شامل آدمیزادگان میشد بلکه با حیوانات نیز بمدار رفتار میکرد تا جائیکه ظرف آبرا پیش گربه چندان نگاه میداشت تا خوب بنوشد و سیراب گردد.

پیامبر اسلام روزی برای یارانش این داستان را تعریف کرد:

«شخصی در بیابان سوزانی تشنه شد و برای رفع تشنگی خود از آب چاهی استفاده کرد بعد ناگهان دید سگی از فرط تشنگی پوزه ب خاک می مالد. آنمرد پیش خود اندیشید که این سگ هم چون اودارای احساس تشنگی است و از رنج بی آبی زجر میکشد. لذا دوباره قدم بدرون چاه نهاد و کفشهایش را پر آب کرد و پیش سگ نهاد. خدا این مرد را پاداش همین کردار نیک بخشید.

پیامبر اسلام خود سرچشمه فیض و احسان بود و پیروان خود را نیز به این امر دعوت میکند و این عمل را بهترین کارها در پیش خداوند میداند.

«بهترین کارها پیش خداوند آنست که بینوایی را سیر کنند و باقرض او را بپردازند و یا زحمتی را از او دفع نمایند».

واز مردمی که از ابراز همدردی با دیگران احتراز میجویند در روز قیامت چنین میفرماید:

«در روز رستاخیز خداوند به بنده خود میگوید چرا موقعی که مریض شدم به عیادت نیامدی؟ بنده با تعجب میپرسد، خدایا تو پروردگار جهانی، چگونه بیمار میشوی تا عیادت آیم؟ خدا میگوید مقصودم این است که چرا عیادت فلان بنده من نرفتی اگر پیش او میرفتی مراهم آنجا مییافتی دوباره بازخواست میکند، که ای بنده من چرا با وجودیکه بتو غذا خوراندیم تو مرا اطعام نکردی؟ باز بنده میپرسد چگونه پروردگار جهانیان را میتوان اطعام کرد؟

خداوند میفرماید: فلان بنده من روزی بتو غذائی داد ولی تو پاداشش را ندادی اگر تو هم در برابر او غذائی میدادی مرا نزد او مییافتی».

آری خدا را در کلبه فقیران و در قلوب بیچارگان و بینوایان میتوان یافت و هر کس به بینوایی ببخشد خدایش خواهد بخشید.

اسلام درباره یتیم سفارشها کرده و سرپرستی ایتام را وظیفه هر مسلمان دانسته است. یتیم کودکی است مانند همه کودکان با این فرق که پدر را از دست داده و دیگر دستی نیست که بر سرش کشیده شود و دلی نیست که بخاطر مهرش بتپد و یا چهره گشاده ای که بر او تبسم کند.

حال او چقدر نیازمند است که دست با محبتی از این ورطه نجاتش بخشد و دل غمینش را بدست آورد و این وظیفه هر مرد مسلمان است و پیامبر اسلام برای مرد مسلمان وعده بهشت میدهد.

«هر که یتیم خویش یا یتیم دیگری را نگه دارد تا خدایش از رعایت او بی نیاز کند بهشت بر او واجبست».

اسلام دین برابر است و در جامع اسلام حدالامکان فقیر وجود ندارد و این

وظیفه ثروتمندان است که با دستگیری از بیچارگان و دادن ذکات فقرا را درمان کنند.
حضرت محمد (ص) میفرماید:

«وقتی خدایکی از شما چیزی داد در صرف آن از خود و کسان خود و از بیچارگان آغاز کنید».

اسلام در اموال ثروتمندان حقوقی برای مستمندان منظور نموده که باشکال گوناگون وصول میشود که یکی از آنها خمس و ذکات است که از وجوه نقدی، دام، محصولات کشاورزی و اموال بازرگانی باید به مستمندان و فقیران پرداخت شود. دادن خمس و ذکات قانون مقدسی است که برای تعدیل زندگی طبقات مختلف وضع شده است چنانکه در آیه ۶۰ از سوره توبه میفرماید:

«کلیه صدقات (ذکوة) متعلق است بفقراء و بینوایان و کارمندان ذکوة و کسانی که میخواهند دل آنها را بدست آورید و برای بردگان و بدهکاران و در راه خدا و برای از وطن دور ماندگان و این قانون لازم الاجراء از طرف خداوند است و خداوند دانا و مصلحت اندیش است».

حضرت رسول (ص) نیز در این باره میگوید:

«از توانگران بگیری و بین بینوایان تقسیم کنید» این دستورها فلسفه ذکات را در اسلام نمایان ساخته و این کار را بهترین راه کمک به بینوایان و مبارزه با فقر در اجتماع میباشد.

اسلام در مبارزه با فقر تنها بهمین حد که تشریح ذکات باشد قناعت نکرده بلکه برای رهایی بیچارگان محتاجان و بیماران از چنگال بدبختی و فقر باز هم به پرداخت سهم بیشتری از مال بآنان دستور میدهد:

«نیکی آن است که انسان مال خود را بخاطر دوستی خدا به خویشاوندان، یتیمان بیچارگان، ورهگذران درمانده و متکدیان و برای آزادی بردگان ببخشد» از این آیه شریفه چنین استنباط میشود که وظیفه شخص ثروتمند تنها پرداخت نمودن ذکات و یا خمس نیست. بلکه باید آن قدر بکوشد تا سیمای هموعان فقیر خویش را از غبار فقر پاکیزه گرداند.

در تعالیم اسلامی اکثر دستورات جنبه عاطفی دارد و به زندگي انسان لطف و صفا میدهد و با انجام کارهای نيك و شایسته خوشبختی دوجهان را تضمین می نماید «هر مسلمانیکه مسلمان برهنه ای را بپوشاند خداوند از پارچه های سبز بهشت بدو بپوشاند و هر مسلمان گرسنه را سیر کند خداوند روز رستاخیز از میوه های بهشت بدو بخشاید و هر مسلمانیکه مسلمان تشنه ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از شربت سرمه ربوا و بنوشاند».

علی علیه السلام در این باره میفرماید:

«براستی که سروران مردم دنیا و آخرت سخاوتمندان و بخشندگانند».

اسلام تمام مسلمانان را با هم برابر و مانند اعضاء يك بدن میداند که باید برای رفع احتیاجات همدیگر بکوشند و این يك دستور دینی است و مسلمانان موظف بانجام آن هستند.

مؤمنان در مهربانی و دوستی نسبت بیکدیگر مانند اعضاء يك پیکرند که وقتی عضوی بدر آید اعضاء دیگر آرام نگیرند. براستی.

بنی آدم اعضاء يك پیکرند

که در آفرینش زيك گوهرند

چو عضوی بدر آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بیغمی

نشاید که نامت نهند آدمی

آری. در اجتماع اسلام فقر وجود ندارد. چشمان حسرت بار یتیمی از درد

بی مهری نمی گرید و آینده اوبخاطر نبودن امکانات مادی به مخاطره نمی افتد.

بینوائی از درد گرسنگی و بیچاره ای از درد بیماری و آواره ای از دردی سروسامانی

رنج نمی کشد زیرا همه جزء يك جامعه اند و هموعان مؤمن و متمول آنها با کمکهای

خود این عوامل گندیده جامعه یعنی فقر، بیماری، بی خانمانی و بی سواد و غیره را

از میان خواهند برد. و همنوع دردمند خود را از این مهلکه نجات خواهند بخشید اگر چه این كمك كوچك و ناچیز باشد زیرا كمك مؤمن به برادر مؤمنش هر چقدر كم باشد باز زیاد است. در این باره به سخن گهربار حضرت علی گوش فرا میدهیم:

كار نيك انجام دهید و هیچ كار نیکی را كوچك نشمارید زیرا نيكوکاری هر قدر هم كوچك باشد بزرگ و هر چقدر كم باشد زیاد است.

باشد كه با انجام عمل خیر و كمك به همنوعان درمانده هر چقدر هم كه كوچك باشد خوشبختی دو جهانمان را تأمین کنیم و همان مؤمن و مسلمان واقعی باشیم كه در قرآن از آن به نيكوئی یاد شده و پیامبر عالیقدر اسلام آنرا ستوده و به مقامش ارج نهاده است.

همدان و نیکوکاران آن

همدان یکی از شهرهای کهنسال ایران است که در ۲۷ قرن پیش پایتخت ایران باستان بوده است . بنای این شهر رابه دیاکو مؤسس سلسله ماد نسبت میدهند . در کتیبه‌های هخامنشی همدان را بنام حکمتان نوشته و در تاریخ بنام حکمتانه اکباتان خوانده شده است . و در الواح بیستون این شهر را بنام (هاکاماتانا) ذکر نموده‌اند. بهر حال همدان یکی از شهرهای تاریخی ایران است که هرودوت مورخ یونانی می‌نویسد که در ۱۲ قرن پیش از میلاد سلاطین آسور از این شهر اسمی برده‌اند ولی دیاکو در ۶۵۵ الی ۷۰۸ قبل از میلاد شهر جدیدی را بنیاد نهاده که بنائی از آن بهتر نبوده است دیاکو شهر را در بالای تپه‌ای بنانهاد که اکنون بنام تپه مصلی نامیده میشود و جمعی را هم برای محافظت گماشته و این محل را حکمتان نامید. همدان تا ۵۵۰ سال قبل از میلاد پایتخت سلاطین ماد بود و هخامنشی‌ها در آن تاریخ بر مملکت فارس که فعلا یکی از استانهای ایران است سلطنت داشتند و در همان تاریخ کوروش کبیر مؤسس سلطنت هخامنشی از فارس بهمدان لشکر کشید و ازی دهاک

آخرین پادشاه ماد راشکست داده و همدان را به تصرف در آورد و از آن تاریخ یعنی در سال ۵۵۰ قبل از میلاد همدان مقر سلطنت تابستانی سلاطین هخامنشی قرار گرفت و بروسعت و عظمت آن افزوده گردید. تا اینکه اسکندر رومی وقتی بر ایران غلبه کرد همدان را که یکی از شهرهای مهم آن زمان ایران بود ویران کرده و جز مخروبه‌ای بنام تپه مصلی و محله سر قلعه و حمام قلعه چیزی بجای نماند.

پس از ظهور اسلام و غلبه اعراب بر ایران در سال ۲۳ هجری همدان بدست مسلمین افتاد و در شمار یکی از شهرهای اسلامی درآمد و بعد از آن بارها مورد حمله قبایل مختلف مهاجم قرار گرفت و بارها ویران گردید و از نو ساخته شد و در سال ۳۱۹ مرد آویج پادشاه آل زیار همدان را با خاک یکسان نموده و مردم آنجا را قتل و عام نمود. در سال دوم هجرت سلاطین سلجوقی از بغداد به همدان انتقال یافتند و مدت پنجاه سال این شهر را مرکز سلطنت خود قرار دادند.

در زمان دیالمه و آل بویه همدان پایتخت سلاطین دیالمه و شاهزادگان آل بویه بوده است.

نفائس و گنجینه‌های زری که از اعماق تپه هکمتانه کشف گردیده خاطرات مجد و عظمت نخستین دولت مقتدر مشرق زمین را بیاد می‌آورد.

خورشید بی غروب، نابغه و فیلسوف عالیقدر مشرق زمین بوعلی سینا سالهائی در همدان میزیسته و اکنون در آرامگاهش در این شهر تاریخی بخاک سپرده شده است. همدان در اثر گذشت قرن‌ها و با سابقه تاریخی زیاد مردان بزرگی بخود دیده است که اکنون بطور مختصر و تا آنجائی که در دسترس می‌باشد به ذکر آنها می‌پردازیم:

بانو خرق مادر جمال الدوله

در حدود هشت قرن پیش گنبد مقبره استرومردخای که یکی از آثار باستانی همدان می‌باشد بوسیله بانوی خیره‌خواه کلیمی بنام خرق مادر جمال الدوله که در

عصر اتابکان فارس میزیسته است بنا گردیده است . مطابق گفته کلیمیان بخصوص تورات (کتاب استر باب ۱-۱۰) استر ملکه خشایارشا بوده که پس از ملکه (واشتای) باین سمت انتخاب شده است و مردخای غم استرو صدراعظم خشایارشا بوده و هردو از نواده بنیامین فرزند یعقوب پیغمبر بودند . مردخای و استر در سال ۲۰۴ قبل از میلاد وفات یافته اند . بقعه استرو مردخای که بوسیله بانو خرق بنا گردیده نه تنها از ابنیه تاریخی مهم شهر همدان بشمار میرود بلکه از لحاظ زیارتگاه خاص ملت یهود در ردیف مهمترین بناهای تاریخی ایران محسوب میشود . این بنا ساختمان سنگی و آجری بی پیرایه ایست که در مرکز شهر قرار دارد و به سبک بناهای اسلامی ساخته شده است . گنبد این بقعه آجری و در نهایت سادگی ساخته شده است .

شیخ علیخان زنگنه

شیخ علیخان زنگنه وزیر سلطان سلیمان صفوی بوده که مدرسه دینی زنگنه را بنیاد نهاده است این مدرسه روبروی بقعه استرو مردخای در محل قدیمی عهد صفوی که مدرسه بزرگ نام داشته و منهدم گردیده بودند بوسیله مرحوم زنگنه بنای جدیدی بر روی آن ساخته اند در این مدرسه عده زیادی از طلاب علوم دینی مشغول فراگیری هستند . این مدرسه در سالهای اخیر بوسیله حجت الاسلام آقای شاهنجریفی (ربانی) اداره میشود . مدرسه زنگنه موقوفات زیادی داشته است . مرحوم شیخ علیخان زنگنه شخص نیکوکار و باایمانی بوده است و علاوه بر مدرسه مذکور در همدان واقف دانشسرای مقدماتی دختران بوده است . این شخص دانشمند و بزرگوار از این قبیل مؤسسات عام المنفعه در سایر شهرستانهای ایران زیاد تأسیس و دایر نموده است .

میرزا داود رضوی مجتهد

بانی و بنیان گذار مسجد میرزا داود همدان میباشد . این مسجد در خیابان

باباطاهر واقع است و اخیراً بوسیله افراد خیر تجدید بنا گردیده است . مرحوم میرزا داود در حدود ۲۵۰/ سال پیش در همدان میزیسته است.

میرزاتقی مستوفی

میرزاتقی مستوفی از خوانین قراگزلو بوده که در حدود ۲۴۰/ سال قبل میزیسته است . این شخص مسجد میرزاتقی واقع در خیابان سنگ شیر را تعمیر و مرمت نموده است و بصورت فعلی در آورده این مسجد قبلاً بنام مسجد محراب سنگ مشهور بوده است . مسجد میرزاتقی مسجد وسیع و بزرگی است و ساختمان جالبی دارد . این مسجد در سالهای اخیر از طرف مردم نیکوکار و خیر همدان تعمیر گردیده است .

شاهزاده نگار خانم

شاهزاده نگار خانم از خاندان قاجاریه در سال ۱۲۹۴ هجری بنام قبلی آرامگاه فیلسوف عالیقدر مشرق زمین بوعلی سینا را تعمیر و مرمت نمود . بنای قبلی آرامگاه اطاق مربعی با پوشش ضربی آجری بود که مانند برخی از زیارت گاههای همدان (مانند زبیده خاتون ، امامزاده سید جلال الدین و غیره) دارای هیچ اهمیت صنعتی و تاریخی نبوده است.

در آرامگاه بوعلی علاوه بر حکیم شیخ الرئیس ابوعلی سینا ، ابوسعید دحدوک دوست و میزبان بوعلی سینا نیز مدفون است . نوشته ای که بر روی سنگ قبر این دوتن است می رساند که ساختمان آرامگاه قبلی را شاهزاده نگار خانم بنانهاده است . سنگ قبر بشکل مربع مستطیل ساده بطول ۱/۵۳ و عرض ۰/۹۸ متر و ارتفاع ۰/۴۸ متر میباشد . بر سطح فوقانی آن بخط نستعلیق و بطور برجسته این عبارت در ۱۵ سطر مرقوم رفته است :

«هو الحی الذی لایموت یا مدد علی جبرائیل میکائیل اسرافیل عزرائیل». چون در این زمان میمنت بنیان که هزار و دوست و نود و چهار از هجرت گذشته بقیه متبر که شهریار کشور تجرید حضرت ابوسعید و سلطان الحکماء شیخ ابوعلی سینا رو بخرابی آورده بود لهذا ملک زاده جهان اختر دودمان قاجار شاهزاده نگار خانم در تعمیر این بقیه کوشیدند .

تا سال ۱۳۳۰ شمسی و ۱۳۷۰ هجری قمری بنای شاهزاده نگار خانم بر آرامگاه ابوعلی سینا پابرجا بود تا اینکه در تاریخ مذکور ساختمان جدید و مجللی با گنبدی رفیع که شایسته مقام حکیم بود ساختند نقشه آرامگاه ابوعلی از روی قدیمترین بنای تاریخی اسلام در ایران یعنی بنای معظم گنبد قابوس که از شاهکارهای معماری بشمار میرود و معاصر بازمان زندگی ابن سینا هم میباشد . اقتباس گردیده است .

ملاحسین اردستانی

در سال ۱۲۴۵ قمری یعنی در حدود ۱۸۰ سال قبل بوسیله این شخص فاضل و خیر خواه مدرسه ای در همدان بنیاد نهاده شد که طلاب علوم دینی در آنجا مشغول تحصیل بوده اند . بعد از آن مرحوم ملاحسین اله کاشی آنرا گسترش داده و اکنون بوسیله آیت اله آملی اداره میشود و عده ای از طلاب علوم دینی به فراگیری علوم دینی مشغول هستند .

این مدرسه در سالهای اخیر بوسیله آیت اله آخوند تعمیر و مرمت گشته و وسیع شده است . بهمت آیت اله آخوند این مدرسه دارای کتابخانه مجهزی گشته که انواع کتب دینی در آنجا موجود بوده و طلاب دینی از آن کتب استفاده می نمایند این کتابخانه در حدود هشت هزار جلد کتاب میباشد .

حاج خداکرم قاسم آبادی

این شخص نیکوکار در حدود ۱۴۰/ سال قبل در همدان میزیسته است و

مسجدی بنانهاده که بنام ایشان بنام مسجد حاج خداکرم مشهور است .

بشارت الملك معروف به حاج سرتیپ

در محوطه امامزاده یحیی که یکی از زیارتگاههای همدان میباشد حمامی است بهمین نام که يك دانگ آن وقف مسجد حاج سرتیپ میباشد . واقف آن مرحوم بشارت الملك میباشد . این شخص مسجدی نیز بنام مسجد حاج سرتیپ بنا نهاده است .

مرحوم حاج حافظ

این شخص گرمابه‌ای در همدان بنام گرمابه حاج حافظ بنانهاده است که قسمتی از آن وقف بر آستانه حضرت معصومه میباشد .

مرحوم حاج ابراهیم بیگ

مرحوم حاج ابراهیم بیگ در انتهای خیابان باباطاهر مسجدی بنیان نهاده که بنام بانی آن معروف است . این مسجد اخیراً از طرف مردم خیر همدان تعمیر و مرمت گردیده است .

حاج شیخ علی دامغانی

مؤسس مدرسه دینی است بنام مدرسه دامغانی که اکنون نیز بوسیله فرزند ایشان بنام حاج شیخ محمد علی عالمی دامغانی اداره میشود و طلاب زیادی در آنجا مشغول به فراگیری علوم دینی میباشند این مدرسه دارای کتابخانه ایست که دارای کتب قابل توجهی است . مقبره این شخص نیکوکار نیز در این مدرسه میباشد مرحوم

شیخ علی دامغانی از بزرگان و از علماء شهر همدان بوده است . در مدرسه مذکور علاوه بر مقبره شیخ مقبره آخوند ملا عبداله بروجردی و همچنین مقبره حاج شیخ باقر بهاری که ایشان نیز از علمای این شهر بوده اند در آنجا واقع است اخیراً بوسیله عده ای از مردان مؤمن و نیکوکار همدان که جزء هیئت زینیه میباشند اقدام به مرمت مدرسه نموده مخصوصاً مقبره این دو عالم روحانی را بصورت آبرومندانه ای تجدید بنا نموده اند.

مرحوم درخشان

واقف حمامی است در همدان بنام حمام آقا جانی بیگ که در محوطه ای بهمین نام بنا شده است حمام آقا جانی بیگ یکی از حمام های قدیمی همدان بشمار میرود .

سید قاسم سریشی

واقف گرمابه ایست در همدان بنام گرمابه کازران که این حمام نیز یکی از حمام های قدیمی همدان میباشد گرمابه کازران در محوطه کازران بنا شده است.

حاج محمد تقی ایرانی - وکیل الرعایا

این مرد نیکوکار و خیر اقدامات زیادی جهت بهبود حال مردم و به اهالی شهر همدان نموده است . بطور سری کمک های زیادی به بیچارگان می نمود . متکدیان را جمع آوری و آنها را به کار و امیداشت .

حاج ناصر المالک شریفی

اولین دفعه برق را برای هئیت حسینه جولان بهمدان آورد . و اولین نفری

بود که کارخانه برق و هم چنین کارخانه لیموناد را در همدان دایر نمود.

حاج رمضان دهپیازی

مسجدی در خیابان میرزاده عشقی همدان بنام مسجد امام رضا دایر و تأسیس نموده است .

حاج هادی طغرل

مسجدی واقع در خیابان کرمانشاه بنام مسجد مختاران بنانهاده است .

حاج عباس قانع

در خیابان کوچشمگی همدان زمینی جهت احداث مسجدی در همین محوطه وقف نموده است .

حاج فتح اله حبیبی

این شخص خیر و نیکوکار مسجدی در خیابان بوعلی و حمامی در چهارراه حبیبی بنانهاده است که اکنون نیز مورد استفاده اهالی همدان میباشد .

آیت اله ملاابراهیم معصومی (آیت اله آخوند)

آیت اله آخوند یکی از علما همدان میباشد که مؤسس کتابخانه غرب در این منطقه میباشد . این کتابخانه دارای کتب زیادی است که در منطقه غرب بی نظیر میباشد.

حاج حسن فاضلی

حاج حسن فاضلی در مرحله جوادیه و خیابان کرمانشاه و هم چنین در مرحله ای که بنام مصلی درهمدان مشهور است اقدام به ساختن مدرسه ای نموده است هم چنین زمین دبستان فاضلی را بطور رایگان در اختیار آموزش و پرورش قرار داده است .

حاج قاسم قائمی

مسجدی درهمدان بنانهاده که بنام مسجد کوچک مشهور است این مسجد بعداً بوسیله آقایان حاج حسن فاضلی و علی همراه بازسازی شده است .

مرحوم خزاعی

مرحوم خزاعی مسجد کولانج را بنانهاده است این مسجد یکی از مساجد بنام همدان میباشد که در مرحله های بهمین نام واقع شده است .

حاج حسین بنکدار

مرحوم حاج حسین بنکدار مسجد جنب گنبد علویان را بنانهاده است و پل قریه آبشینه و حمام منوچهری بوسیله این مرد خیر ساخته شده است .

مرحوم حاج محمد نراقی

مرحوم نراقی مسجد حاج احمد را در زمان حاج آقامیر فتاح بنانهاده است که اکنون نیز پابرجاست .

حاج علی اکبر پوستی زاده

زمین مسجد آخوند بوسیله آقای پوستی زاده بطور رایگان واگذار شده است.

خانواده مکارچیان

در شهر تاریخی همدان کمتر کسی است که خانواده مکارچیان را نشاند و از کارهای خیری که انجام داده اند بهره نبرده باشد. همه مردم از پیر و جوان، زن و مرد، کاسب بازاری و روشنفکران شهر هریک به نحوی از انحاء مرهون خدمات بی شائبه و دور از تظاهر و ریای این خانواده هستند.

تأسیس دانشگاه بوعلی در همدان مرهون بلند نظری و جوانمردی آقای مهدی مکارچی است تأسیس باشگاه سوارکاری وابسته به انجمن سلطنتی اسب در همدان یکی از ابتکارهای جالب آقای مهدی مکارچی است که در توسعه امور تندرستی و پرورش روح و جسم جوانان همدان نقش مؤثری دارد ...

تأسیس زایشگاه مکارچی با تجهیزات کامل موجب خواهد شد سالیانه پنج تاده هزار زایمان بهداشتی و بدون خطر انجام گیرد و جان هزارها مادر و طفلش نجات یابد.

خدماتی که وسیله خاندان مکارچی انجام گرفته به تنهایی موضوع یک کتاب کهن است و کوشش خواهد شد بچند نمونه آنها اشاره ای کوتاه شود.

۱ - تأسیس زایشگاه مکارچی

عصر روز پنجشنبه سوم مهر ماه ۱۳۵۴ که مصادف با هجدهم ماه رمضان بود حاج محمد علی مکارچیان بزرگ خاندان مکارچیان با حضور استاندار همدان و نمایندگان مجلس شورای ملی و جمعی از بزرگان شهر کلنگ ساختمان یک زایشگاه بزرگ

و مجهز را بزمین زدند و عملیات ساختمانی آن بلافاصله با سرعت آغاز گردید این زایشگاه مجهز و مسدود در زمینی بوسعت شش هزار متر ساخته خواهد شد. مساحت زیربنای این ساختمان / ۱۷۵۰ متر و هزینه آن بالغ بر سه میلیون و نیم تومان میباشد که نقداً از طرف خاندان مکارچی پرداخت گردید.

زایشگاه در ابتدای کار دارای ۳۰ تخت است و قابل توسعه به ۶۰ تخت خواب میباشد و سالیانه بین پنج تا ده هزار زایمان بهداشتی و بدون خطر انجام خواهد گرفت.

۲. دانشگاه بوعلی .

تأسیس دانشگاه بوعلی در همدان یکی از خدمات برجسته آقای مهدی مکارچیان است و بهمت و جوانمردی این مرد نیکوکار بود که استان همدان توانست این افتخار را کسب کند .

هنگامیکه مسئله تأسیس يك دانشگاه فرانسوی در کشور آغاز گردید. مردم استانهای گیلان و مشهد و کرمانشاه برای جلب نظر اولیای امور و تخصیص این دانشگاه در استان خودشان فعالیت‌های شدیدی را آغاز کردند پیشنهادهای جالب دادند و تسهیلات بیشتری فراهم ساختند و زمین لازم و بودجه کافی در اختیار این دانشگاه گذاشتند .

چون از طرفی دو مشکل بزرگ برای تأسیس این دانشگاه در همدان وجود داشت امکان موفقیت مردم همدان بسیار کم بود . یکی از این مشکلات نبودن زمین لازم برای ساختمان دانشگاه بود و دیگری فقدان ساختمانهای مناسب جهت سکونت استادان. اما آقای مهدی مکارچی هر دو این مشکل را حل نمودند. ایشان بدون درنگ بمبلغ ده میلیون ریال، برای خرید زمین محل دانشگاه پرداخت و شرکت ساختمانی «دی» که قسمت بیشتر سهام آن متعلق به خانواده مکارچیان است تعهد نمود پنجاه دستگاه ساختمان مجهز جهت سکونت استادان بسازد ...

با این ترتیب باید گفت تأسیس دانشگاه بوعلی بهمت این مرد نیکوکار قطعیت

یافت و مردم همدان این امتیاز را مرهون طبع بلند و والای خاندان مکارچیان میباشند

۳. اهداء چهل هزار متر زمین برای استادיום

آقای مهدی مکارچیان که یکی از پیشقدمان امروزش در همدان است و سالها عضو تیم ملی فوتبال و بسکتبال بوده و چندین سال پیش که هنوز خیلی جوان بود يك باشگاه ورزشی مجهز در همدان تأسیس نمود و به تربیت روحی و جسمی جوانان شهر همت گماشت و این خدمات را تا امروز با علاقه و پشتکار ادامه داده است .

آقای مکارچیان دو سال پیش چهل هزار متر زمین در محدوده شهر همدان که بیش از هشت میلیون تومان ارزش دارد برای احداث يك استادיום ورزشی به سازمان تربیت بدنی واگذار نمود باین شرط که در مدت دو سال ساختمان استادיום ساخته شود . متأسفانه تا کنون کوچکترین اقدامی از طرف تربیت بدنی انجام نگرفته است با اینحال اینمرد نیکوکار حاضر به پس گرفتن زمین نیست و این مهلت را برای مدتی تمديد کرده است باین امید که خدمتی برای جوانان همدان انجام گیرد .

۴. تأسیس باشگاه سوارکاری

یکی دیگر از خدمات برجسته آقای مهدی مکارچیان تأسیس يك باشگاه سوارکاری وابسته به انجمن سلطنتی اسب میباشد که با هزینه ای بالغ بر پانزده میلیون ریال برای پرورش روح و جسم جوانان همدان ساخته است .

پنجاه رأس اسب اصیل با بهترین تجهیزات و سهلترین شرایط در مانتر این باشگاه آماده است و جوانان شهر همدان میتوانند ساعات فراغت خود را در این باشگاه و با این ورزش سالم بگذرانند این خدمت صادقانه که در امر توسعه تندرستی نقش مؤثری دارد خوشبختانه مورد استقبال شدید جوانان همدان قرار گرفته است .

۵- کمک به مستمندان

با ذکر نمونه‌های بالا شرح سایر کمک‌های مستمر و فردی که خاندان مکارچیان بخصوص آقای مهدی مکارچیان انجام می‌دهند زائد به نظر میرسد اما بخاطر اینکه خوانندگان عزیز بیشتر به بلند نظری این مرد نیکوکار و خیرپس ببرند خدمات فردی ایشانرا فهرست وار متذکر میشویم.

سرمایه گذاری در صندوق قرض الحسنه مهدیه همدان ، احداث مسجد عباسی کمک به حسینیه مشهد احداث يك دبیرستان اسلامی دختران ، توزیع دوهزار گونی ذغال در هر سال به مستمندان و خرید وسائل تحصیلی جمعی از دانش آموزان خانواده کم درآمد و سایر کمکهای فردی و رویهمرفته میتوان گفت آقای مهدی مکارچیان نمونه کامل یکمرد خیر و نیکوکار است و از ثروتی که در سایه نیات و امنیت این کشور بدست آمده بیش از آنچه میسر است بهمنوعان خود و برای پیشرفت امور و تربیت جوانان کشور کمک میکند .

مؤسسه مهدیه

مؤسسه مهدیه همدان براساسی یکی از سازمانهای خوب و نمونه نیکوکاری در کشور میباشد که با کمک و همکاری جمعی از مردم نیکوکار و باایمان اداره میشود این مؤسسه تاکنون برنامه‌های ارزنده‌ای اجرا نموده است که در میان آنها بچهار قسمت مهم اشاره میشود .

- ۱ - درمانگاه مهدیه .
- ۲ - صندوق قرض الحسنه مهدیه .
- ۳ - مؤسسه امداد قائمیه .
- ۴ - دارالایتام و سرپرستی .

مؤسسه مهدیه چگونه بوجود آمد ؟

ضمن تماس باچند نفر از اعضاء مؤسس این تاریخچه ایجاد آنرا از زبان آقای محمدجواد قائمی که یکی از فرهنگیان با سابقه و با ایمان شهر همدان است و از نخستین روزایجاد این مؤسسه همکاری داشته مینویسم :

«باتوسعه و گسترش شهر همدان عده‌ای از مردم خیریه راهنمایی و ارشاد آقای حاج سید محمد جلالی که یکی از روحانیون پاک نهاد همدانست تصمیم گرفتند مسجدی در محوطه خیابان عباس آباد بسازند زمین لازم را آقای برجیسیان اهداء نمود و مقدمات کار آماده گردید .

در همین موقع آقای حاج قاسم همدانی که یکی از تجار بزرگ آهن کشور هستند و در تهران ساکن میباشند به جمع دوستان نیکوکار همدان پیوست و ساختمان فعلی مهدیه را بمبلغ / ۱۳۲۰,۰۰۰ ریال خریداری و در اختیار مؤسسه گذاشت . هدف ایشان این بود که در این محل سالن سخنرانی و مسجد و کتابخانه و یک پرورشگاه جهت نگهداری ایتام دایر شود . هزینه احداث مسجد نیز وسیله آقای حاج قاسم همدانی پرداخت و ساختمان آن آغاز گردید .

چون احداث درمانگاه بیش از سایر قسمت‌ها لازم بود با کمک عده‌ای از مردم نیکوکار تصمیم گرفته شد قسمتی از آن ساختمان مؤقتاً برای درمانگاه اختصاص داده شود . مقدمات کار بسرعت فراهم گردید و در بهمن ماه / ۱۳۵۰ درمانگاه مهدیه با همکاری افتخاری جمعی از پزشکان همدان کارش را آغاز نمود و روزانه شصت بیمار مستمند معاینه و داروی رایگان بآنها تحویل گردید چون این محل برای درمانگاه مناسب نبود با جلب موافقت آقای برجیسیان مقداری زمین در کنار زمین اهدائی ایشان خریداری و ساختمان مجهزی با هزینه ده میلیون ریال جهت درمانگاه ساخته شد که در حال حاضر یکی از مؤسسات نمونه و خوب درمانی است و روزانه / ۱۲۰ بیمار مستمند را معاینه و داروی رایگان تحویل میدهد .

در حال حاضر آقای حاج علی همراه (رئیس) و حاج سیدجواد برقی (مدیر

عامل) این درمانگاه هستند و آقایان دکتر حوائجی ، گوهر بنان ، حاجی صمدزاده ، حاج محمود طهوری ، حاج صادق حقگویان ، حاج علی جباری و حاج باقرپور- حسینی عضو هیئت مدیره مؤسسه خیریه میباشند اکنون روزها قبل از ظهر یکنفر پزشک و بعد از ظهرها دو پزشک داخلی و یک دندانپزشک بیماران را معاینه میکنند حتی در روزهای جمعه و تعطیل یکی از پزشکان شهر افتخاراً در این درمانگاه کشیک میدهد .

هزینه پرسنل و داروی این درمانگاه که ماهیانه بالغ بر پانصد هزار ریال میباشد از طرف / ۱۵۰۰ عضو ثابت و کمک های متفرقه تأمین میشود و سازمان شاهنشاهی ماهیانه مبلغ هفتاد هزار ریال دارو و همچنین شیر و خورشید ماهیانه بیست هزار ریال دارو باین مؤسسه اهداء می کنند این درمانگاه تا پایان / ۱۳۵۴ تعداد ۱۰۷۷۴۲ بیمار باین درمانگاه مراجعه و از داروی رایگان و کافی استفاده نموده اند. صندوق قرض الحسنه مهدیه - با استقبال شدید مردم نیکوکار که آمادگی خود را جهت همکاری اعلام نموده و آماده هر نوع کمک بودند یکی از روحانیون همدان بنام حاج سید اسداله اسدی باین فکر افتاد که يك صندوق قرض الحسنه درست کند و به افرادی که به نزول خواران بدهکار هستند و قادر به ادای قرض خود نمیباشند و یا جوانهایی که قصد ازدواج دارند و برای این منظور احتیاج به کمک دارند و آنهایی که میخواهند به کسب و کار مشغول شوند و سرمایه ندارند و امهائی بدون بهره و با اقساط داده شود .

باتشکیل این جمعیت ابتدا يك سری قبوض ده ریالی چاپ و منتشر شد ولی چون این پول برای انجام کارها کافی نبود قرار شد هريك از اعضاء مؤسس دویست هزار ریال برای سرمایه اولیه پرداخت نماید و در صورت احتیاج مجدد هريك سیصد هزار ریال دیگر پرداخت نمایند برای این منظور هیئت مدیره مؤسسه باین شرح انتخاب گردید :

حاج اسداله فتحی (رئیس) حاج احمد قائمی (نایب رئیس) محمد جواد قائمی

(دبیر) حاج محمد ابراهیم درفشی (مدیرعامل) حاج سید محمد حسینی و حاج جواد سپهر و حاج سید جواد برقعی (اعضاء) با افتتاح صندوق و شروع کار هیئت مدیره معادل سه میلیون ریال قبوض سهام پانصد تومانی منتشر شد که خیلی زودتر از آنچه انتظار میرفت از طرف مردم نیکوکار خریداری شد.

در آن موقع میزان وام پرداختی از پانصد تومان تجاوز نمی کرد. بهمت آقای حاج محمد ابراهیم درخشی مدیرعامل مؤسسه و تهیه اساسنامه و جدیت هیئت مدیره کار صندوق قرض الحسنه رونق زیادی پیدا کرد و با تشکیل حساب پس انداز سرمایه صندوق افزایش یافت بطوریکه در حال حاضر ۲۵۰۰ شماره حساب پس انداز با سرمایه ای بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار تومان مشغول بکار است. سرمایه صندوق اعم از سهام و پس انداز و حساب جاری متجاوز از چهار میلیون و پانصد هزار تومان و میزان وام های پرداختی به یکصد هزار ریال افزایش یافته و تا پایان ۱۳۵۴ تعداد ۴۶۴۱۲/ با گرفتن وام از این صندوق مشکلات خود را مرتفع ساخته اند.

دارالایتام و سرپرستی

اوائل سال ۱۳۵۰ آقایان دکتر حوائجی و حاج سید جواد حجازی بفکر ایجاد مؤسسه ای جهت کمک و نگهداری ایتام و خانواده های بی سرپرست می افتند و هیئت مدیره باین شرح تعیین گردید: دکتر حوائجی (رئیس). حاج سید جواد حجازی (مدیرعامل) محمد جواد قائمی (دبیر) حاج تقی یوسفی (خزانه دار) و دکتر معز، دکتر فروغی، گوهر بنان، حاج جواد سپهر، حاج سید صادق حجازی صادقیان، جواد صمدیان، حاج نقی سراج چی، حاج صادق رادینا، و حاج حسین افتخاریان (اعضاء) تعدادی قبض از طرف هیئت مدیره چاپ و منتشر گردید و با پولی که از این راه عاید شد هیئت مدیره کارش را شروع کرد... ابتدا یک خانواده و بتدریج تعدادی از خانواده های بی سرپرست و بچه های یتیم شناسائی و تحت حمایت این مؤسسه قرار گرفت و هر هفته به نسبت تعداد جمعیت و احتیاجات ضروری زندگی،



درمانگاه معدیه

خواروبار، پوشاك، وحتى كرايه خانه ومخارج تحصيلي آنها تأمين ودور ازهر گونه تظاهر بآنها تحويل ميگردد .

در حال حاضر ۷۰ خانواده مستمند تحت تكفل و حمايت اين مؤسسه است و در حدود ۷۰۰ نفر عضو مؤمن و نيكو كار با پرداخت مقرري ماهيانه هزينه اين مؤسسه را كه ماهيانه بالغ بر ۱۵۰۰۰ ريال است تأمين مي نمايد ...

هر خانواده تحت سرپرستي يكي از افراد با ايمان هيئت مديره است و علاوه بر تأمين مخارج آنها سرپرست مربوطه موظف است بدرس و مدرسه اطفال خانواده رسيدگي ونسبت به ثبت نام آنها در مدارس و رفع مشكلات تحصيلي آنها اقدام و نظارت دقيق بنمايد

كليۀ افراد خانواده های بی سرپرست بیمه درمانی هستند و دره انگاه مهدیه در مواقع بیماری و سوانح داروی رایگان بآنها تحويل داده و آنها را مداوا می نماید.

مؤسسه امداد قائمیه

پس از تشكيل مؤسسه دارالایتام و سرپرستی هیئت مدیره متوجه شد كه بعضی از خانواده ها سرپرست دارند و شامل مقررات سرپرستی نمیشوند اما اینگونه سرپرستها از كار افتاده و مريض و علیل بوده وقادر به تأمين مخارج عائله خود نیستند و با اینکه احتیاج شدید بكمك و دستگیری دارند از نظر حفظ آبرو قادر به (سؤال) نیستند . بهمین جهت آقای حاج شیخ محمد تقی عالمی روحانی عالیمقام همدان جمعی از مردان خیر و نيكو كار را بهمكاري دعوت نمود و در اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ مؤسسه امداد قائمیه جهت كمك به خانواده های آبرومند كه سرپرست آنها از كار افتاده است و احتیاج به دستگیری دارند تشكيل گردید .

حاج كاظم خلیلیان (مدیر عامل) حاج سید كاظم مصطفوی (رئیس) حاج علی همراه (نایب رئیس) محمد جواد قائمی (دبیر) و آقایان عالمی، درفشی، افتخاریان، علیمحمد قاسمی، میرزا آقا عظیمی، حاج علی اصغریزدی، حاج محمد رضا منصور،

حاج صادق حق‌گویان، علی ترابی، حاج محمود گوهربان، دکتر وزیر، دکتر معز، دکتر حوائجی اعضاء این جمعیت انتخاب شدند.

این مؤسسه در مدت دو سال موفق شده است ۹۲ خانواده را تحت تکفل گرفته و حداقل معیشت آنها را از لحاظ خوراک و پوشاک تأمین نماید. درآمد ماهیانه مؤسسه امداد قایمیه در حدود ۶۰۰۰۰ ریال است که از طرف ۵۳۰ عضو ثابت تأمین میشود.

محمد فرسائی

هر کس دردوران زندگی خود فرازونشیب‌ها دارد، پستی‌ها و بلندی‌ها دارد، محرومیت‌ها، ناکامی‌ها، موفقیت‌ها، شکست‌ها و بیماری‌ها را دارد. این لازمه طبیعت زندگی هر انسان است. منتهی انسان باید از تمام این حقایق بهره بگیرد نه تنها مأیوس نشود بلکه از تجربیات خود در راه خدمت بدیگران استفاده کند.

محمد فرسائی مرد نیکوکار همدان را همه می‌شناسند او شرح حال خودش را با این جملات آغاز میکند و ادامه میدهد:

بیش از نیم قرن در این دنیا زندگی کرده‌ام و در تمام این مدت همیشه هدف و آرزوی من این بوده است که در اجتماع منشاء خیر و اثری باشم و بتوانم بدیگران کمک کنم و باری از دوش کسی بردارم. الحمدلله نظر لطف و عنایت خداوند هم شامل حال من شده است و موفق شده‌ام تا حدی بآرزویم برسم.

خدماتی که انجام داده‌ام صرفاً بخاطر رضای خدا و آرامش وجدان بوده... خداوند را از صمیم قلب شکر میکنم که مرا مسلمان آفریده، ایرانی آفریده، و در سرزمینی رشد کرده‌ام که امتیازات و برکات بسیار داشته و دارد. هرچه بدست آورده‌ام در همین سرزمین پیدا کرده‌ام و با کمک مردم خداشناس و مهربان و اصیل همین آب و خاک پول بدست آورده‌ام و بهمین جهت وظیفه دارم که هر خدمتی از دستم ساخته است در حق همین مردم انجام دهم. به‌دین و آئین اسلام که نیکوکاری

و كمك بهمنوع را جزء برنامه خود قراردادده افتخار میکنم . به سرزمین با شکوه و سرافراز وطنم سر تعظیم فرود میآورم و معتقدم هر کس خداشناس است بوطن خود علاقمند است و طبعاً به شکرانه سلامتی و امنیت خود وظیفه دارد تا آنجا که میتواند به همنوعان خود كمك نماید .

شکرانه بازوی توانا بگرفتن دست ناتوان است

محمد فرسائی با اینکه بقول خودش بیش از چند ماهی به مکتب نرفته و درس و مشق و حساب و کتاب را کاملاً یاد نگرفته است اما چنان با شور و صداقت حرف میزند و بقدری صفا و حقیقت در گفتارش هست که شنونده را بی اختیار مجذوب میسازد . او در باره زندگی میگوید : عالم کودکی عالم شیرینی است ، عالمی لطیف تر از رؤیاهاست ، عالم تخیلات و تصورات است و آرزوهای آدمی بتدریج شکل میگیرد . و او را آماده ورود به اجتماع میکند .

برای يك طفل پدر همه چیز است ، یاری غمخوار و دلسوز که بدون هیچ توقع به فرزندش علاقه دارد و خدمت میکند . مثل کوه در برابر سختی ها و مشکلات می ایستد و فرزندش را پرورش میدهد هر پدری برای تأمین رفاه و آسایش فرزندانش حاضر است حتی جان خود را فدا کند پدر من کربلائی نصراله دباغ کاسب زحمتکش و سرشناسی در همدان بود و با درآمد مختصرش زندگی ما را اداره میکرد . افسوس که سایه پرمهر او خیلی زود از سرما رفت و من خیلی کوچک بودم که پدرم بعلت بیماری در گذشت .

روزی که پدرم فوت کرد من هفت ساله بودم . معلوم است طفل خردسالی که از مال دنیا بهره ای ندارد و قادر به اداره زندگی خودش نیست وقتی ببیند مسئولیت زندگی مادر و برادر و خواهرش هم بگردن او افتاده چه حالی دارد ؟ سرم را به آسمان بلند کردم و از ته دل بر درگاه خداوند بزرگ نالیدم : «ای خدا سایه پدر از سرم رفت و پدرم مرد . و من از این لحظه پشت و پناهی بغیر از توندارم خودت دست مرا بگیر» .

بحمدالله از همان لحظه زندگی من روز بروز پیشرفت کرد و صدهزار شکر که از هیچ بهمه چیز رسیده‌ام... «سبحان ربی الاعلی و بحمده». غیر از این در برابر خالق بزرگ و بخشاینده و مهربان چه میتوان گفت؟

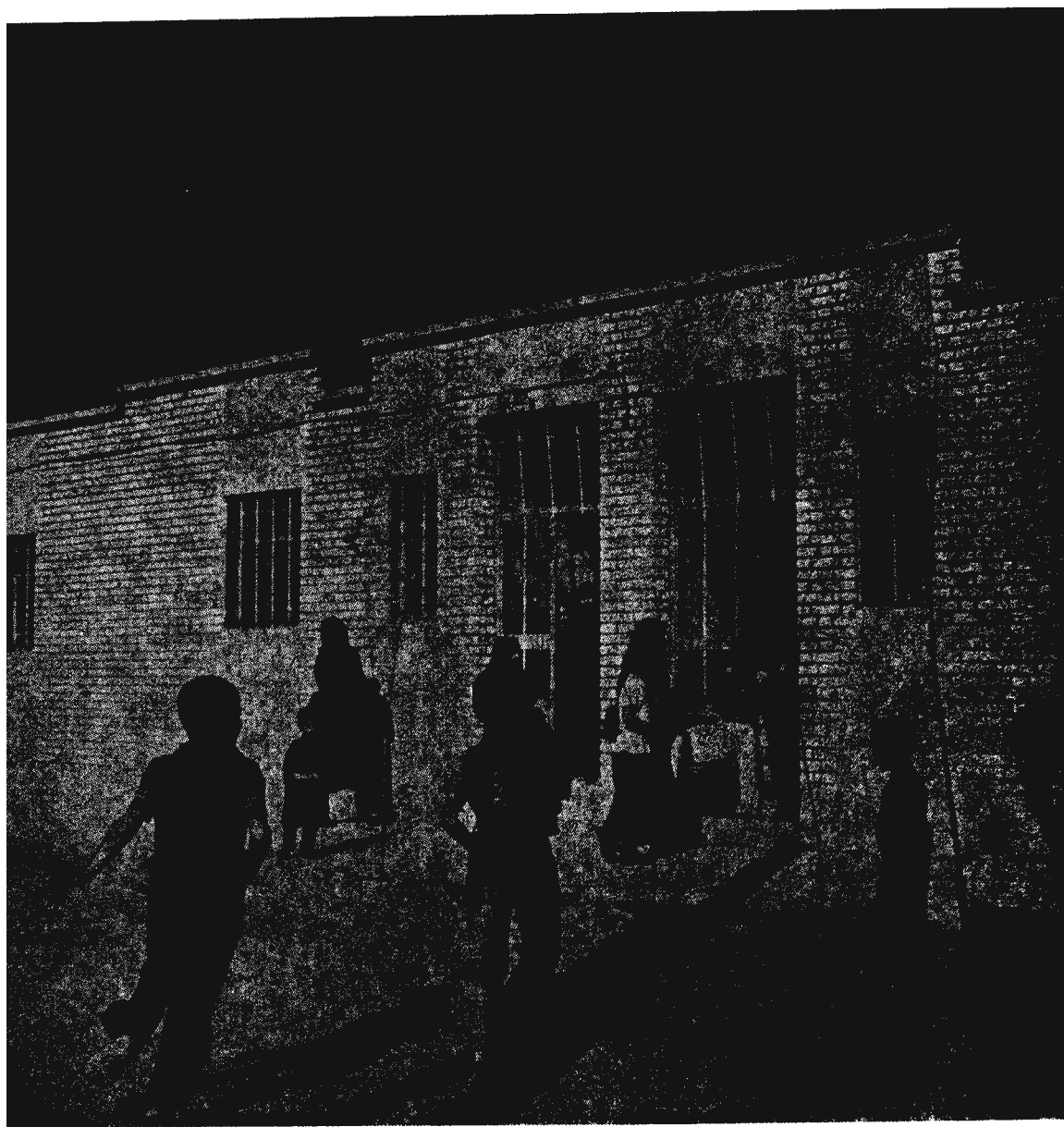
در اوایل مدتی با فروش خانه و درآمد اجاره مختصری که داشتیم گذشت و بامید اینکه من درس و مشقی یاد بگیرم و چرخ زندگی را بچرخانم مرا به مکتب گذاشتند اما فایده‌ای نداشت. محیط تاریک و کوچک مکتب خانه و قیافهٔ تکیده ملاباشی که دائم چهارزانو روی تشکچه‌اش می نشست و چرت می زد با روح من سازگار نبود ناچار مکتب خانه را رها کردم و در یک دکان کرباس فروشی با سالی هشت تومان مزد مشغول کار شدم...

یادم می آید در همان روزگار در یک شب سرد زمستان که از دکان بخانه می آمدم در سر راه زنی مفلوک و درمانده را دیدم که لباس حسابی نداشت و دو بچه نیمه لخت و عریان را در بغل گرفته بود و گریه میکرد. «فقر هیولای کشنده و مصیبت باریست. غبار فقر بر سر و روی هر کس بنشیند بدبخت و بینواست و وظیفه توانگرانست که دست بیچارگان را گرفته و آنانرا از فقر و فلاکت نجات دهند این وظیفه هر مؤمن و نیکوکار است. خداوند ریشه فقر را که ناشی از جهل و نادانی است از روی زمین بردارد.»

باری دیدار آن زن بینوا با آن دو طفل گرسنه و بینوا مرا بشدت منقلب کرد خیلی دلم میخواست به آنها کمکی بکنم ولی آه در بساط نداشتیم و این برای یک مرد خیلی کشنده است. خدایا هیچ توانگری را سنگدل و هیچ جوانمردی را تهی دست نکن.

که سفله خداوند هستی مباد
جوانمرد را تنگدستی مباد.

بغض گلویم را گرفته بود و به دنبال راه و چاره‌ای می گشتم. تا اینکه فکری بخاطرم رسید. توی بازارچه‌ای که نزدیک خانه ما بود مردی باسم (شیخ علی) دکان



خانه‌های فرسائی

کوچکی داشت. شیخ علی خانواده مرا میشناخت، پیش اورفتم و گفتم «چهارقران بمن قرض بده وقتی اجرتم را گرفتم پس می‌دهم» آن روزها چهارقران پول زیادی بود. شیخ علی از حرف من خیلی تعجب کرد وقتی فهمید پول را برای چه می‌خواهم فوراً چهارقران بمن داد و منهم دوان دوان پیش زن فقیر رفتم و پول را باو دادم. خدا میداند زن و بچه‌ها ازدیدن این پول چقدر خوشحال شدند. ومن از خوشحالی آنها بگریه افتادم.

هنوز هم بعد از گذشت چهل سال آن کار خیر را در دلم احساس می‌کنم و با وجوئیکه بفضل و عنایت خداوند بخشنده و مهربان تابحال توفیق خدماتی نصیب شده اما برای من لذت بخشش آن چهارقران بآن زن مستمند را نداشته است.

سال دوم اجرتم دو برابر شد، سال سوم بیست و چهار تومان مزد می‌گرفتم بهمین جهت بفکر افتادم از شاگردی دست بکشم و خودم دکان کرباس فروشی باز کنم... بعله آقا کارم را با بیست و چهار تومان شروع کردم. و روز بروز وضعم بهتر شد. پس از مدتی شغلم را عوض کردم اجناسی را که در روستاها لازم داشتند به آنجا می‌بردم و از آنجا فرش و روغن و حبوبات خریده و بشهر می‌آوردم. خلاصه اینکه:

کار ساز بفکر کار ماست،

فکر ما در کار ما آزار ماست.

بفصل خداوند کارها روز بروز رونق پیدا کرد و کم کم به تجارت مشغول شدم و يك کارخانه کتیرا تأسیس نمودم که محصول آن بسیار مرغوب بود و در کشورهای خارج بخصوص انگلستان مشتریهای پروپاقرصی داشت البته اینرا باید اضافه کنم که علت اصلی پیشرفت من درستی و امانت بود و طرفهایم اطمینان داشتند محصولی که از کارخانه من بیرون می‌آید بدون كلك و نقص و عیب است... دلیل دیگر موفقیت من این بود که بهوضع کار گره‌ایم خیلی توجه می‌کردم و از درد دل آنها باخبر بودم و برای تأمین زندگی آنها هرکاری از دستم ساخته بود انجام میدادم.

آقای فرسائی بقیه خاطر آتش را اینگونه ادامه میدهد:

تابحال ۱۰۱ خانه درهمدان ساختم که از این تعداد ۴۳ خانه را به خانواده های مستمند و کم درآمد و پراولاد که اکثراً سرپرست آنها فوت کرده و یا علیل و از کار افتاده هستند بطور رایگان هدیه کرده ام. و بقیه را بقیمت تمام شده و با اقساط طویل المدت که حداکثر اقساط ماهیانه آنها از ۱۵۰۰ ریال تجاوز نمیکند به خانواده های واجد شرایط واگذار نموده ام در ۳۸ دستگاهی که اخیراً هدیه شده ۵۳ خانواده که جمع افراد آنها در حدود ۳۵۰ نفر میباشند سکنی داده شده اند.

آقای فرسائی انگیزه ساختن این خانه ها را چنین توضیح میدهد:

در سال ۴۶ که برای انجام کارهای تجارتي بهمدان آمده بودم به یکی از دوستانم برخوردیم بسیار ناراحت و پریشان بود، علت را که جویا شدم گفت:

«امروز در سر راه خود منظره ای دیدم که سخت ناراحت کننده است. نزدیکی مقبره باباطاهر يك خانواده پنج نفری در خرابه ای بدون سقف و در و پیکر توی خاک و زباله ها زندگی میکنند که وضع آنها بسیار اسف انگیز است.

به اتفاق دوستم به دیدن آنها رفتم و از مشاهده وضع مفلوک آنها بقدری متأثر شدم که اشک بچشمانم آمد فوراً بسراغ یکی از واسطه های معاملات ملکی رفتم و قرار گذاشتیم هرچه زودتر زمین مناسبی برای ساختمان سی چهل خانه تهیه کند. همان شب با چند نفر از دوستان متدین و دلسوز طرح بنیاد يك مؤسسه خیریه را ریختم و با يك ملیون تومان سرمایه از فردای آن روز کار ما عملاً شروع شد. و بحمداله بخوبی پیشرفت کرد.

علاوه بر ساختن خانه های فوق الذکر با کمک عده ای از مردم خیر و نودوست مؤسسه ای بنام «صندوق جاسوید» برای دادن وام بدون بهره بمردم کم بضاعت و واجد شرایط تشکیل داده ایم خدا را شکر که کار این صندوق مورد استقبال شدید مردم قرار گرفت و کمک های بیدریغ و خالصانه آنها موجب شد که جمع کثیری از چنگال بیرحم نزول خواران خلاص شدند و خیلی ها با گرفتن وام از این صندوق



خانه‌های فرسائی

به کسب و کار مشغول شده‌اند و عده‌ای خانه خریده‌اند و جوانهای زیادی ازدواج کرده‌اند .

در حقیقت میتوان گفت اینکار نتیجه‌ای بهتر از خانه سازی رایگان داشته است. آری ، آقای فرسائی از شاگرد کرباس فروشی به همه چیز رسید . و کمک خود را با چهارقران شروع نمود و اکنون هزاران فقیر و بی چیز از کمک‌های بیدریغ و دور از تظاهراو استفاده می نمایند و این همان وعده است که خداوند در قرآن کریم بآن اشاره فرموده :

مثل آنان که مالشانرا در راه خدا انفاق کنند به مانند دانه ایست که از يك دانه هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد (یکدانه هفتصد بشود) و خدا از این مقدار نیز بر که خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی منتهاست و بهمه چیز خدا احاطه کامل دارد .

علاوه بر افراد خیری که نام آنها در صفحات گذشته مذکور افتاد اهالی خیراندیش و نیکوکار دیگر همدان در طی سالیانی دراز در تعمیر و مرمت بناهای تاریخی و مذهبی شهر کمر همت بسته‌اند و با جان و دل از این تأسیسات حفظ و حراست نموده و آنرا بدست ما سپرده‌اند .

ما در اینجا با ذکر و شرح مختصر ابنیه و آثار همدان در حقیقت به کسانی که در طول تاریخ این تأسیسات را حفظ نموده و تعمیر و مرمت نموده‌اند ارج می نهیم و باختصار در باره این تأسیسات و بناهای تاریخی سخن بمیان می‌آوریم .

مسجد جامع همدان

نزدیک میدان مرکزی شهر قرار دارد که گنبد آجری سترگی با دومناره یا گلدسته ساده جلو آن است که بفاصله کمی از میدان در مجاورت بازارهای مختلف شهر قرار دارد . این گنبد و گلدسته‌ها متعلق به شبستان بزرگ و ایوان اصلی مسجد جامع همدان است که درب اصلی آن سمت مغرب رو بازار و درب دیگری آن در

کوچه واقع است که در ابتدای خیابان اکباتان باز میشود. مسجد جامع در میان مساجد متعدد همدان تنها مسجدی است که دارای گنبدی بزرگ و مرتفع و مقصوره با ایوان جلو آن و گلدسته میباشد. مسجد جامع در سال ۱۲۵۳ قمری ساخته شده است و به سبک مساجد مانند مسجد شاه عهد فتحعلیشاه قاجار که در تهران و سمنان و بروجرد و قزوین ساخته شده است. در گوشه دهلیز ورودی مسجد که مجاور سردرب غربی یعنی مدخل اصلی مسجد سنگاب پایه‌دار سنگی بزرگی قرار دارد که يك قسمت آن متصل و نصب بدیوار است. این سنگاب را شخص خیری بنام حاجی محمدخان در گوشه دهلیز قرار داده و آنرا وقف نموده است. مسجد جامع بكمك افراد خیر و با ایمان همدان ساخته شده و الحق تا کنون بخوبی حفظ و نگهداری شده است.

برج قربان

برج قربان یکی از بناهای مهم و قدیمی شهر همدان میباشد که دارای برج دوازده ضلعی آجری است اضلاع دوازده گانه برج هر کدام از خارج بطول کمی بیش از دو متر و از داخل بطول مختصری بیش از يك متر میباشد. در داخل برج نیز هر ضلع مشتمل بر طاق نمائی به عمق ۲۰ سانتی متر و عرض دهانه ۹۰ سانتی متر است. بنای برج قربان با آجری ساده بدون کشیده و گچ ببری و تزئینات دیگر ساخته شده است. در طبقه سفلی برج قربان مدفن شیخ الاسلام حسن بن احمد بن حسن بن احمد بن محمد بن سهل بن سلمه بن عثکل بن حنبل بن اسحق عطار حافظ همدانی است.

گنبد برج قربان در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ تعمیر اساسی و کلی گردیده بصورت آبرومندانه‌ای درآمد. چهل ستون مسجد جامع بوسیله حاج زین العابدین تبریزی ساخته شده و شبستان بزرگ این مسجد بوسیله حاج روح الله معمار ساخته شده است.

گنبد علویان

مهمترین و معتبرترین بنای تاریخی اسلامی شهر همدان بنای چهار ضلعی از

آثار اواخر سلجوقی است که گنبد علویان خوانده میشود . این بنای تاریخی از لحاظ منظر بیرون و هیئت خارجی شبیه بنای گنبد سرخ مراغه است که در تاریخ ۵۴۲ هجری ساخته شده است . عده‌ای عقیده دارند که میرسید علی همدانی ملقب به (امیر کبیر) که در تاریخ تصوف ایران و ادبیات زبان فارسی مقامی دارد در گنبد علویان مدفون است اما این نظر صحیح نیست چون میرسید علی همدانی درختلان واقع در تاجیکستان کنونی مدفون است و گنبدی نیز برمدفن او ساخته‌اند .

بنابر اطلاعات موثق که بوسیله تحقیقات دامنهدار آقای علی اصغر حکمت انجام شده و در شماره ۸ سال چهارم (آبانماه ۱۳۳۰) در مجله یغمسا درج شده میرساند که :

گنبد علویان ممکن است متعلق به نخستین افراد برجسته خاندان علویان باشد که در قرن ششم میزیسته‌اند و بنای مذکور خانقاه ایشان بوده است . و یا بنای گنبد علویان در ابتدا بنام علویان نبوده و مسجدی چون مساجد دیگر اواخر سلجوقی بوده است و پس از گذشت يك قرن یا بیشتر خاندان علویان آنرا عبادتگاه یا خانقاه خویش نموده‌اند و بعد از سالیان متمادی مدفن دو نفر از احفاد همان خاندان در سرداب بنا قرار داده شده است . در صورت صحت عقیده فوق به نظر میرسد که خاندان علویان سرداب را بعداً احداث نموده‌اند .

آرامگاه باباطاهر

آرامگاه باباطاهر متعلق به شاعر سوخته طاهر همدانی مشهور به باباطاهر عریان میباشد . این آرامگاه در قدیم بصورت برج متروك و نیمه ویرانی برفراز تپه‌ای بوده است که در زمان رضا شاه کبیر از طرف شهرداری همدان در سالهای ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ بنای جدیدی در محل بنای فعلی ساخته شده . و در چند سال اخیر آرامگاه مذکور نیز ویران گردید و آرامگاه با شکوه و عظمت دیگری در محل بنای قبلی احداث گردید . در حال حاضر اطراف آرامگاه

بصورت فضای سبز در آمده و منظره دلنشینی به آرامگاه داده است که هر ساله عده بیشماری از صاحب‌دلان به زیارت آن می‌شتافتند.

امامزاده هادی ابن علی

این بقعه در قسمت شمال غربی همدان نزدیک مقبره شاعر همدانی باباطاهر عریان قرار دارد که دارای گنبدی ۱۶ ترك است و بفاصله مختصری از آرامگاه باباطاهر قرار گرفته . این بقعه از آثار قرن ششم هجری و شاید به احتمال ضعیف مربوط به اوائل قرن هفتم می‌باشد .

در زیارتنامه بقعه نسبت صاحب مرقد هادی فرزند امام‌زین‌العابدین ذکر شده است . این مرقد بارها بوسیله اشخاص نیکوکار و با ایمان همدان مرمت گشته و اخیراً تعمیرات کلی بر روی این بقعه شده است .

شاهزاده حسین

محل این بقعه نزدیک میدان مرکزی شهر ابتدای خیابان شورین قرار دارد . حرم بقعه بسیار وسیع و با روح می‌باشد و بصورت هشت ضلعی منظم و بسیار متناسب و شیوا ساخته شده است طول هر يك از اضلاع ششگانه آن ۳۰/۳ متر می‌باشد و هر ضلع طاقنمائی بصورت شاه نشین بعق قریب یکمتر ونیم دارد .

ضریح بزرگ و چوبی آلت سازی مشبك در وسط حرم هشت ضلعی نصب است که هم عصر با ساختمان بقعه به نظر میرسد و با احتمال بسیار قوی مربوط بعهد صفویه و با احتمال ضعیف مربوط بعهد زمان فتح‌الشاه تشخیص میگردد . بقرار اظهار متولی بقعه بنای امامزاده در سال ۴۲۳ هجری ساخته شده و سه مرتبه منهدم گردیده و مجدداً در زمان هلاکو خان مغول بنا شده است .

امامزاده اسماعیل

امامزاده اسماعیل در خیابان باباطاهر در محوطه گورستان همدان بصورت بنائی مربع شکل واقع شده است سال احداث بقعه با احتمال قوی در ۱۱۳۵ یعنی دوره سلطان حسین صفوی میباشد. داخل حرم امامزاده اسماعیل بابعاد تقریبی $4/5 \times 4/5$ متر میباشد و تنها تزئینی که درون حرم این بقعه به نظر میرسد حاشیه ایست که آیه مبارکه کرسی بخطط کوفی برنگ قرمز بر زمینه سفید آن نقاشی نموده اند .

نسبت امامزاده اسماعیل بقراریکه اهالی همدان اظهار میدارند از اولاد حضرت موسی بن جعفر میباشد .

امامزاده عبدالله

امامزاده عبدالله در اواسط خیابان باباطاهر که بطرف انتهای خیابان پیش میرود در محوطه ای بهمین نام واقع است. در داخل این امامزاده کوچک که غیر از اطاق چهارضلعی کوچک هیچگونه متلفاتی ندارد و دو صورت قبر موجود است . یکی از این دو صورت بقراریکه اهالی همدان اظهار میدارند مربوط به امامزاده عبدالله که نسبت آن به حضرت موسی ابن جعفر میرسد و صورت قبر دوم که نوشته و تزئینی ندارد منسوب به دایه همان امامزاده معرفی میکنند.

امامزاده عبدالله بارها بوسیله مردم متدین و نیکوکار همدان تعمیر و نوسازی گردیده است و اخیراً بصورت بسیار زیبایی ساخته شده و میدان اطراف این امامزاده وسیع گردیده است و آئینه کاری آن به سرپرستی آقای معراجی مدیر کل اوقاف همدان انجام شده است.

امامزاده یحیی

در خیابان سیروس در کوچه ای بهمین نام واقع شده این کوچه نسبت به خیابان

بصورت مورب میباشد مدخل اصلی این بقعه عبارت از ایوان آئینه کاری زیبایی است. این آئینه کاری در سال ۱۳۰۶ قمری انجام شده است. در داخل بقعه حرم مربع بزرگی در وسط بنا قرار دارد و چهار ضلع حرم با دهانه های گشاد و عریض برواقی که چهار جانب حرم را احاطه نموده است باز و مربوط می گردد و پشت رواق نیز طاقمانه ها و اطاقهائی در عهد قاجاریه اضافه و الحاق کرده اند که جبهه خارجی بنا را تشکیل میدهد.

در وسط حرم ضریح چوبی آلت ساز درشت سبزرنگ بطول ۲/۶۰ متر و عرض ۱/۸۲ متر و ارتفاع ۱/۸۰ متر بر روی پایه مرمری که از سنگهای قبر قدیمی ترتیب داده اند و ۱۵ سانتی متر بلندی آنست قرار دارد.

ساختمان حرم از آثار قرن هشتم تا دهم هجری است و رواق را در دوره صفویه بر اطراف آن افزوده اند و در عهد قاجاریه اطاقها و طاقنها و غرفات پشت رواق رو ب صحن الحاق و بر استحکام بنا و حجم آن باز هم اضافه گردیده است. نسب امامزاده یحیی در زیارتنامه اولاد بلا فصل حضرت علی علیه السلام معرفی شده است.

ملایر و نیکوکاران آن دیار

ملایر در ۸۴ کیلومتری همدان واقع شده است. چون تا کنون از جلگه ملایر و خرابه‌های آن کاوش علمی بعمل نیامده است بنابراین درباره زبان و مذهب حتی تمدن اقوامی که در زمان قدیم در ملایر میزیسته‌اند آثاری بدست نیامده است اما باستان شناسان اقوام این جلگه را حدفاصل اقوام کاسیت و میتانر (اعقاب کردها و لرها) دانسته‌اند. که باین جلگه آمده و تا هجوم مادها در این سرزمین سکونت داشته‌اند.

آثاری که از این اقوام بجا مانده است خرابه‌های شوشاب (۱۸ کیلومتری ملایر) و امامزاده آورزمان (۳۰ کیلومتری ملایر) و جوراب (۱۸ کیلومتری) شهر ملایر است که میتوان نام برد که امروزه بصورت تل خاک خودنمایی میکنند.

باستان شناسان خرابه نوشین جان واقع در ۱۸ کیلومتری غرب ملایر را از زمان مادها دانسته‌اند و هم‌چنین خرابه‌های بیشمار که در این شهرستان بصورت تل‌های خاک پراکنده است خود حکایت از عمران و آبادی گذشته این ناحیه و از

وجود مردان بزرگی می نماید . و باز آثاری در این شهر وجود دارد که نشان دهنده سرزمینی آباد و معمور در زمان هخامنشیان اشکانیان و ساسانیان بوده است.

کریم خان زند از ملایر برخاسته است و فتحعلیشاه قاجار نظر به وصلتی که با زندیه داشته است فرزند خود را بنام شیخ علی میرزا که از طرف مادر به زندیه میرسید با صدور فرمانی به حکومت ملایر گماشت و شیخ علی میرزا این شهر را بنام برادرش دولتشاه «دولت آباد» نام نهاد این شاهزاده بناهایی در شهر ملایر از خود بیادگار گذاشته است که از مهمترین آنها میتوان مسجد جمعه ، حمام ، و تعدادی دکاکین نام برد و همچنین از گردشگاه و باغات هوس انگیزی هم چون باغ نو، بهشت آئین و باغ جنت و باغ گلستان قابل ذکر میباشد .

و اکنون به ذکر مختصری از افرادی که در این شهر با ایجاد بناها و انجام کارهای عام المنفعه خدمتی نموده و با این اعمال نام خود را در لیست نیکوکاران و محبان خدا ثبت نموده اند میپردازیم .

آقای حسین بیگلریگی

در بازار ملایر اقدام به ساختن مسجد در زمان محمد شاه قاجار نموده است.

فخرالحاجیه سهرابی (سکینه سهرابی)

در ملایر اقدام به ساختن بیمارستانی بنام بیمارستان فخریه نموده و همچنین این بانوی خیر مدرسه ای برای تحصیل نوباوگان ایجاد نموده که اکنون بنام مدرسه فخریه دایر میباشد .

سلطان محمد میرزا (حاج سیف الدوله)

در محلی سنگلاخی و تپه و بدون قطره ای آب با امراض مختلفی از قبیل

مالاریا و تراخم شهرملایر پارک مفرح و زیبای ملایر احداث گردید . مؤسس و بنیان گذار آن مرحوم سلطان محمد میرزا (حاج سیف الدوله) فرزند سلطان احمد میرزا (عضدالدوله) فرزند فتحعلی شاه قاجار میباشد که در سال ۱۲۶۰ قمری در تهران متولد و دوره جوانی را به تحصیل علوم و درك فنون پرداخته و پس از فراغت از تحصیل نظربه لیاقت فطری وارد خدمات دولتی شد و در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه ابتدا بخدمت نظام و بعدها بریاست فوج سربند نایل گردید .

آنمرحوم با قطب زمان مرحوم حاج میرزا حسن صفی علیشاه معاصر بوده و در سال ۱۲۹۰ درسلسله نعمت الهی مشرف و در خدمت آن مرحوم ارشاد گردید و با کمال خلوص نیت و صفای عقیده پیرو امر مرشد شد و ی کتاب عرفان الحق را که از تألیفات بدیعه مرحوم صفی بود در سال ۱۲۹۷ با اسلوبی مرغوب بزیور طبع بیار است .

مرحوم حاج سیف الدوله در ملایر ، همدان ، قزوین استرآباد (گرگان) ، کرمانشاهان و خوزستان حکومت کرده و در خلال تصدی حکومت های مزبور بدرجه امیرتومانی نایل گردیده است . حکومت ملایر را بدفعات عدیده عهده دار شده (حکومت ثلاث) که اولین دفعه آن در سال ۱۳۰۵ قمری بوده چون در آن زمان ملایر شهرستانی جدید الاحداث و بی اندازه بد آب و هوا بوده و چنانچه گفته شد محل مالاریا و تراخم و در تپه ای که بنای فعلی پارک بنیان نهاده محل خشک نمودن انگور بوده است .

آنمرحوم وقتی از ملایر به تهران مسافرت مینمود در محل فعلی آرامگاه وی که اکنون در پارک واقع است برای گزاردن نماز ظهر و عصر توقف نمود بعد از خاتمه نماز با حالت تأثر و غمناک روبه اطرافیان خود نمود و گفت :

«در نماز با خدای خود عهد نمودم چنانچه املاک خالصه ملایر از طرف دولت وقت فروخته شود در این محل پارکی احداث نمایم که مفرح و تفریحگاه مردم گردیده و اهالی ملایر از این ناراحتی و بدی آب و هوایی نجات یابند».

اتفاقاً پس از چندی از طرف دولت اجازه فروش املاك خالصه انتقالی داده شده و اولین قریه‌ای که از طرف ایشان خریداری شد دهکده ازناو بود که محل پارك فعلی میباشد چندی بعد شروع به احداث تصفیه‌قنات نمود تا اینکه موفق گردید و از ۸ کیلومتری راه قنات احداث کرده، و آب آنرا به پارك بیاورد. که اکنون قناتی با ۱۲ سنگ آب میباشد. بعد از این عمل طبق نقشه مهندس ایتالیائی شروع باحداث پارك و بناهای آن نمود. بعد از احداث پارك طبیعت نیز با نبات آن مرحوم مساعده کرده که در نتیجه یکی از بهترین مناظر طبیعی ایران بنا گردید و اینک محل گردشگاه عمومی و در هر فصلی از فصول دستجات مختلف محلی و جهانگردان برای دیدار آن می‌آیند. این پارك از بدو تأسیس اختصاص به گردشگاه عمومی داده شده و در وصیتنامه مرحوم حاج سیف‌الدوله آنرا برای استفاده عموم قرار داده و ورود اشخاص بدانجا بلامانع دانسته شده است. مرحوم حاج سیف‌الدوله بانی و مؤسس پارك علاقه شدیدی به امور کشاورزی و احداث باغ داشت و در اکثر دهاتی که در اطراف ملایر متعلق به ایشان بوده باغات متعددی ساخته است و تفریح و گردش را در تمام باغات برای مردم آزاد گذاشته و اغلب باغات را نظر به ارادتی که به مرحوم صفی‌علیشاه داشته بنامهای، باغ صفا، مصفا، صفائی، مرسوم نموده است.

مرحوم سیف‌الدوله در سن ۶۰ سالگی ترك خدمات دولتی گفت و بعد از آن تمام اوقات خود را بخدمت مردم مشغول گردید. هر ساله بوسیله ایشان نان و گندم و سایر مایحتاج زندگی برایگان در اختیار فقرا و بی‌چیزان قرار داده میشده است. در يك خشکسالی که در ملایر گندم و غلات کمیاب شد و مردم از گرسنگی می‌مردند کلیه گندمی که در انبار داشت برای جلوگیری از قحطی و گرسنگی بمردم داد و با این عمل جان عده بیشماری را نجات داد. در ایام جمعه همیشه عموم فقراء ملایر را دعوت نموده و اطعام مینمود. و در زمستانها فقراء و زوار و مسافین بی‌بضاعت را به پوشش زمستانی و اعانت‌های فراخور حال هر يك دستگیری می‌نمود. طبعی عالی و نظری بلند داشت و هم‌چنان بخدمت خلق مشغول بود تا اینکه در اواخر عمر

در نتیجه انقلابات و اغتشاشات داخلی و جنگ اول جهانی مکرر دارائی و کلیه مایملک و زندگی خود را ازدست داد مخصوصاً پارك مذکور دستخوش غارت و خرابی و ویرانی گردید . اما بدون آنکه زلزلی بخاطرش راه یابد تمامی حادثات را بحسن استقبال تلقی و هر نوبت پیش از پیش و بهتر از پیشتر در صدد مرمت و جبران خرابیها برمیآید .

عشق مفرط آن مرحوم به نشر دانش و فرهنگ و تربیت نوباوگان کشور بحدی بود که در سال ۱۳۲۷ قمری اوائل دوره مشروطیت مدرسه مفصلی در پارك ملایر مفتوح و کلیه معلمین و افراد آنرا از تهران استخدام و معلمی برای تدریس زبان فرانسه استخدام نمود . ریاست مدرسه بعهدہ مرحوم میرزا علیرضا خان کرکانی برادر مرحوم میرزا عبدالعظیم خان کرکانی بود .

متأسفانه باطلوع سالارالدوله و خرابی و غارت در پارك ملایر اساس آن بنای مقدس منهدم و منحل گردید .

علاوه بر تأسیسات مذکور در تهران در خیابان ظهیرالاسلام فعلی مدرسه ای بنام مدرسه سادات و مدرسه قاجاریه که اکنون محل دبیرستان خزانلی میباشد تأسیس نمود که این دو مدرسه ابتدا به ریاست مرحوم شیخ سیف الدین و بعداً تحت نظر حاجی میرزا یحیی دولت آبادی سالها مشغول خدمت و اشاعه فرهنگ ایران بوده و پس از آن دوبنای مزبور به وزارت آموزش و پرورش واگذار گردید . همچنین در خیابان ظهیرالاسلام مسجدی بنا نهاد که اخیراً بوسیله یکنفر از اشخاص خیر تجدید بنا گردید . مرحوم حاج سیف الدوله بعلت عشق مفرطی که به صفی علیشاه داشت خانقاه مرحوم صفی را با خریداری زمین و تأسیس بنا و بقعه حضرت معظم لسه بخشید و وصیت نمود چنانچه در تهران فوت نمود در خانقاه مرحوم صفی بخاک سپرده شود و محل دفن خود را نیز تعیین نمود و اگر در ملایر فوت نمود در بالای تپه مناجات مدفون گردد . و اتفاقاً در ملایر فوت نمود و در بالای تپه مناجات که آرامگاه خانوادگی ایشان است مدفون گردید .

سلطان محمد میرزا (حاج سیف الدوله) در زمان حیات خود بناهای چندی در پارك ملاير بنا نهاد که چند ساختمان آن برای سکونت خود و خانواده‌اش اختصاص داده شده بود که این بناها با زیبایی خاصی که داشتند از بناهای قدیمی محسوب میگردیدند که متأسفانه قسمتی از آنها بوسیله شهرداری محل خراب گردید و بدین گونه یکی از بناهای قدیمی از بین رفت با اینکه امکان داشت از آن استفاده بهتری جهت موزه یا محل عام‌المنفعه دیگری در ملاير استفاده شود و هم‌چنین چندین قلعه و برج که اکنون محل سکونت عده‌ای از اشخاص میباشد در پارك وجود دارد .

علاوه بر بناهای مذکور بنای دیگری اختصاص به بیمارستان داده شده که از سال ۱۳۰۵ دائرونخستین بیمارستانی است که در ملاير تأسیس گردیده که درابتداء بوسیله عایدی املاکی که برای اداره بیمارستان و دبستان اختصاص داده شده بود اداره میشد و پس از اصلاحات ارضی چون طبق قانون اصلاحات ارضی املاك بزارعین واگذار گردید بیمارستان را به شیروخورشید سرخ و دبستان را هم به آموزش و پرورش واگذار نمودند که اخیراً از اراضی هم جوار دبستان استفاده و محل آن توسعه یافته است .

در زمان حیات مرحوم سیف الدوله تعدادی از املاك خود را ثلث قرار داده که عواید آن صرف :

۱- یکباب مدرسه ایتام در پارك ملاير که اکنون بنام دبستان سیفیه مشغول بخدمت نوباوگان کشور میباشد که لباس و لوازم التحریر برایگان در اختیار آنها قرار میگیرد .

۲- بیمارستان ۲۵ تختخواب در پارك ملاير که اولین بیمارستان این شهر است و تأسیس آن در سال ۱۳۰۵ میباشد .

۳- ساختمان مسجد و غسلخانه‌ای در پارك ملاير .

۴- ساختمان یکباب مسجد در خیابان ظهیر الاسلام تهران .

- ۵- واگذاری ساختمان وزمین و بقعه خانقاه مرحوم صفی درخیابان خانقاه و انجام روضه خوانی ده روزدر ایام ماه صفر.
- ۶- واگذاری دوباب عمارت مدرسه سادات و مدرسه قاجاریه که فعلا دبیرستان خزائلی در تهران خیابان ظهیرالاسلام دایر است .
- ۷- وقف پارك ملایربا تأسیسات آن برای گردشگاه عمومی وسایر استفاده ها.
- ۸- اختصاص ۱۲ ساعت از آب پارك برای مشروب ساختن شهرستان ملایر در هفته روزهای جمعه .
- ۹- اطعام مساکین در ایام عاشورا .
- ۱۰- وقف شش دانگ آب و ملك قریه شریف آباد کهریزك و صادق آباد برای تحصیل فرزندان خانواده عضدی چه در داخل وچه در خارج کشور تا پایان تحصیلات .

محمود عضدی (امیر مؤید)

آقای محمود عضدی فرزند پسرى مرحوم سیف الدوله میباشند که ازسلسله نعمت الهی بوده وپس ازفوت مرحوم حاج سیف الدوله مؤسسات وموقوفات متوفی بوسیله ایشان دائرو اداره گردید امیر مؤید در مدت هشتاد سال زندگی در ملایر تمام مدت وقت خود را صرف نگهداری پارك وتأسیسات بیمارستان ودبستان وپذیرائی واردین نمودی وغالب اوقات زندگی خود را صرف خدمت مردم ومعاضدت به اهالی وطی چندین مأموریت در اطراف ملایر که بعنوان شهردار وفرماندار همدان وفرماندار بروجرد لازم بود که برای نگهداری پارك ومؤسسات آن در شهرستان های هم جوار خدمت نماید .

امیر مؤید در مدت خدمت خود در شهرداری وفرمانداری ملایر خدماتی انجام داده که عموم اهالی همدان شاهد و ناظر خدمات وی در همدان میباشند و هم چنین در مدت خدمت در بروجرد خدماتی از نظر شهر سازی وسایر کارهای عمرانی انجام

داده‌اند که بسیار مورد توجه و اهمیت می‌باشد وی عمر خود را صرف نگهداری پارک که از سال ۱۲۹۹ که مصادف با مرگ مرحوم حاج سیف‌الدوله تا ۱۳۰۸ که پارک مزبور از طرفی در اثر تپاول و غارت ، کلیه پارک خراب و ویران گردید و از طرف دیگر تمرکز قوای عثمانی و انگلیسی و روسی در جنگ اول بین‌المللی در پارک ملایر همت به عمران و آبادی پارک و ساختمانهای آن که در شرف انهدام و خرابی بود نمود چه از بودجه شخصی و چه از بودجه موقوفات .

مرحوم امیر مؤید پارک مزبور را بطور کلی تجدید بنا و ساختمان نمود که آمادگی برای پذیرائی و بازدید جهانگردان خارجی و داخلی را داشته باشد . از افتخارات پارک ملایر پذیرائی از شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر که دوسه بار در این پارک پذیرائی گردیدند و همچنین شاهنشاه آریامهر چند بار از پارک بازدید و پذیرائی شده‌اند .

مرحوم محمود عضدی (امیر مؤید) در زمان حیات خود خدماتی در ملایر انجام داده که فهرست وار بآن می‌پردازیم :

۱- با الهام از نیت عالیله شاهنشاه تعداد ۱۰ هکتار از اراضی بایر مزروعی خود را بمنظور خانه سازی با قطعات مناسب به افرادی که فاقد خانه و منزل مسکونی بوده‌اند با قیمتی مناسب واگذار نموده که اکنون غالب خانواده‌های بی بضاعت ملایر صاحب خانه و منزل مسکونی گردیده‌اند .

۲- واگذاری تعدادی از اراضی برای ساختمان حمام ، مسجد ، دبستان ، در اراضی محله‌ای بنام امیرآباد .

۳- واگذاری زمین به کارمندان کم درآمد .

۴- واگذاری محل استادیوم ورزشی و تأسیسات آن به آموزش و پرورش ملایر بطور رایگان .

۵- واگذاری زمین و اراضی بیمارستان فخریه .

۶- واگذاری زمین و اراضی دبیرستان ملایر .

- ۷- واگذاری و توسعه بیمارستان سیفیه پارك از اراضی شخصی .
- ۸- بنای دبستان در قریه محمود آباد ، ازناو، کمازان ، با بودجه شخصی .
- ۹- واگذاری زمین به سازمان آب شهرستان ملایر جهت تأسیسات لوله کشی آب شهر و خدمات دیگر مرحوم عضدی تمام مدت حیات خود را صرف اصلاح و نگهداری پارك و خدمت به اهالی ملایر نمودند و از این خدمت لذت میبردند چنانچه با هشتاد و چند سال زندگی و کسالت و کهولت در اواخر عمر رئیس انجمن شهر ملایر، رئیس حزب ایران نوین، رئیس شیرخورشید سرخ، رئیس آموزش و پرورش بعهدہ ایشان بود که با جدیت تمام بخدمت خلق مشغول بود تا اینکه در اولین طلوع آفتاب ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۱ دعوت حق را لبیک گفت و در آرامگاه ابدی خانوادگی در پارك ملایر مدفون گردیدند .

حاج علی بحرینی

بانی و بنیان گذار مسجدی است در ملایر که بنام مسجد بحرینی مشهور است.

شیخ علی میرزا شیخ الملوک

فرزند فتحعلیشاه شاه قاجار اولین کسی بوده که در شهر ملایر بناهایی ساخته مانند مسجد جامع و حمام و گردشگاههای عمومی .

حاج علی سلطان ازندریانی

این شخص در چند دهات اطراف ملایر اقلام به ساختن چند باب حمام نموده است .

حاج حسن گودرزی

پلی در روی رودخانه روبل ساخته است .

مرحوم سرهنگ مظاهری

در ملایر اقدام به ساختن مسجدی نموده است که اکنون بنام مسجد مظاهری در خیابان قائم مقام پا برجاست .

مرحوم اصغر صفی

مسجدی در ملایر بنا نهاده که بنام مسجد صفی نامیده میشود که در حدود ۴۰ سال پیش ساخته شده است .

حاج شیخ باقر محسنی

یکباب مدرسه علمیه در ملایر تأسیس نموده است که اکنون عده‌ای از طلاب علوم دینی در آنجا مشغول تحصیل میباشند .

مرحوم مهر علی خان

یکباب مسجد و یکباب حمام بنام مسجد و حمام مهر علی خان ساخته است .

نهاوند و نیکوکاران آن دیار

نهاوند محدود است از طرف شمال به شهرستان توپسرکان و از مشرق بمالایر، از جنوب به الشتر و از مغرب به دلفان و هرسین. نهاوند یکی از شهرستانهای تابع استان همدان میباشد و وسعتی حدود ۱۶۵۷ کیلومتر مربع دارد. این شهرداری ارتفاعاتی است که بمربوط به دوران سوم زمین شناسی و دنباله رشته کوههای زاگرس است در مغرب به کوههای بیستون و روانسرو شاهو در یاوه متصل است و از جنوب به بروجرد ختم میشود. این کوهها در نهاوند گرونا نامیده میشود و قله آن مرتفع و خط الرأس های آنحد طبیعی نهاوند و خرم آباد است. ارتفاع مهم این قسمت حدود ۳۳۹۶ متر ارتفاع دارد و از دره های شمالی این کوه که به رودخانه گاماساب منتهی میشود صدها چشمه جاری است.

رود مهم نهاوند گاماساب است که در شهرستان خرم آباد سیمره و در اهواز و دشت میشان کرخه نامیده میشود این رود از سراب گاماساب در ۲۰ کیلومتری نهاوند که در یکی از دره های شمالی گرو واقع شده سرچشمه گرفته و تا بیستون پیش رفته

سپس وارد لرستان گردیده و پس از مشروب کردن غرب جلگه خوزستان وارد دجله گردیده و سرانجام به خلیج فارس میریزد .

تاریخ نهاوند به قبل از اسلام میرسد . آثار باستانی نهاوند در موزه ایران باستان ویرین مخصوص داشته که از تپه گیان میباید . سنگ نبشته‌ای در پائین یکی از ستونهای موزه در طبقه دوم نصب شده که از خرابه‌های کوی دوخواهران نهاوند بدست آمده است. این سنگ نبشته مربوط به دوره سلوکی است . دیوار قدیمی شهرداری آثاری است که قسمتی از آن موجود و مشخص است و در جنوب و مشرق و مغرب قرار داشته و از شمال بوسیله کوهها محدود شده است .

قلعه حسن خانی در نهاوند مربوط به دوره زندیه است و محل ساخلوهای دولتی بوده است . قلعه وسط شهر که در زمان ناصرالدین شاه و بفرمان او ویران گردیده یکی از بزرگترین قلاع تاریخی بشمار رفته است که امروز جز پی‌ها و آب رودها و چاه معروف آن اثر دیگری از آن مشهود نیست .

نهاوند دارای چهار دروازه بوده که بنام چهار گوشه نامیده شده است. خلاصه کلام اینکه نهاوند سابقه تاریخی طولانی دارد و بارها مورد حمله مهاجمان قرار گرفته و ویران گردیده و مجدداً بوسیله نیاکان ما ساخته شده است .

اکنون بطور اختصار بشرح بناها و مردان بزرگی که بهمت آنها این بنا ساخته شده و یا حفظ و حراست شده‌اند می‌پردازیم .

حاج علی مراد علی مرادیان

این شخص در حدود پنجاه سال پیش پلی بر روی رودخانه گاماساب واقع در ۱۲ کیلومتری نهاوند محور جاده نهاوند کرمانشاه ساخته که در چند سال اخیر بعلت قدمت و کهنگی از بین رفته و اکنون وزارت راه پل مذکور را مرمت و تعمیر نموده است . این پل اکنون بنام بانی اولیه آن بنام پل حاج علی مراد مشهور است .

حجت الاسلام حاج شیخ عزیز اله علی مرادیان

اخیراً از طرف این شخص در نهاوند مشغول ساختمان مسجد بسیار مدرن و یکباب حمام عمومی دوش در خیابان کمربندی این شهر میباشند که زمین آن از طرف شخص نیکوکاری بنام حاج محمد اهدا شده که بهمت آقای علی مرادیان مشغول ساختمان آن هستند.

حاج خدا رحم

در نهاوند مسجدی بهمت آقای خدا رحم در کوچه ای بهمین نام ساخته شده است.

حاج آقاتراب

مسجدی بوسیله این شخص خیر در کوچه آقاتراب ساخته شده و هم چنین حمام آقاتراب بوسیله ایشان ساخته شده است ضمناً حمام مذکور جزء آثار تاریخی نهاوند هم محسوب میگردد.

اکنون بشرح تأسیسات عام المنفعه که در نهاوند بوسیله افراد خیر و نیکوکار ساخته و یا تجدید بنا گردیده است و هم چنین آثار و ابنیه که حفظ و حراست شده اند که مختصراً بشرح آنها میپردازیم:

تپه تاریخی گیان

یکی از قدیمترین آثار باستانی نهاوند تپه تاریخی گیان است که قدمت آن به دوران کیانیان میرسد. و آثار زیادی از آن که در کاوش های علمی بدست آمده است اکنون در موزه های معتبر دنیا و تهران دیده می شود.

امامزاده خواهران

نسب امامزاده خواهران را به خواهران امام هشتم نسبت می‌دهند که در محله‌ای بهمین نام واقع شده است. مقبره این امامزاده بارها ویران گردیده که بوسیله اهالی متدین نه‌اوند بازسازی و تجدید بنا گردیده است.

قلعه تاریخی نه‌اوند

یکی از آثار باستانی و مشهور نه‌اوند قلعه تاریخی است که در زمان ساسانیان بنا شده سالها مقرر حکومت این سلسله بوده است تا اینکه آخرین پادشاه ساسانیان بنام یزدگرد سوم با توجه به شکستی که از اعراب در جنگ نه‌اوند می‌خورد و بالاخره بدست آسیابانی کشته می‌شود و قلعه بدست اعراب می‌افتد. در این قلعه اکنون يك چاه باقیمانده است که بدنه آن بشعاع ۳/۵ متر و عمق ۲۰ متر که تماماً از آجر ساخته شده و ته آن دارای حجره‌های متعددی است.

مقبره نعمان بن مقرن

در سه کیلومتری شمال غربی نه‌اوند این مقبره وجود دارد. نعمان بن مقرن یکی از سرداران مشهور عرب در زمان آخرین جنگ اعراب با ایران که در نه‌اوند واقع شده بقتل میرسد که در همان محل مدفون میگردد. این محل اکنون بهمت اهالی نه‌اوند بصورت يك نقطه خوش آب و هوا در آمده که مردم مخصوصاً در ایام تعطیل در آنجا بسر می‌برند.

مسجد جامع نه‌اوند

این مسجد یکی از مساجد مهم و قدیمترین مسجدی است که در نه‌اوند وجود

دارد و جزء آثار باستانی محسوب می‌گردد. این مسجد بارها از طرف اهالی تعمیر و مرمت گردیده است و اکنون مورد استفاده می‌باشد.

مسجد وحسینیه‌البنی

واقع در خیابان ۲۵ شهریور و هم‌چنین مسجد وحسینیه جوانان که هردو از طرف افراد خیر و نیکوکار بنا شده است مقبره امامزاده شاهزاده محمد - همراه با حسینیه واقع در میدان ششم بهمن که بوسیله افراد خیر تجدید بنا گردیده است.

تویسرکان و نیکوکاران آن دیار

تویسرکان شهریست که در ۶۶ کیلومتری همدان واقع شده است که با آب و هوایی خوش و طبیعتی زیبا . لسترنج در کتاب «سرزمین های خلافت شرقی» درباره تویسرکان چنین می نویسد:

... نیمه راه بین همدان و نهاوند رستاق رود آور واقع است که رستاق بزرگی بود و در آنجا زعفران زراعت میگردید شهر مهم این ولایت موسوم به کرج رود آور است که دارای مسجد بزرگی بوده این رستاق بقول یاقوت حموی سه فرسخ امتداد داشت و شامل ۹۳ قریه بود.

حمداله مستوفی در کتاب نزهة القلوب نام این ولایت را غالباً بصورت رود آور ضبط کرده است و از شهرهای آن سرکان و توی را نام میبرد که هر دو اکنون وجود دارند و امروز نام (توی) بر تمام این ناحیه اطلاق میشود ... ناحیه تویسرکان در گذشته مشتمل بر چهار بلوک تویسرکان، خرم رود، قلقل رود و کرزان رود بوده است و بانواهی ملایر و نهاوند ولایات ثلاث را تشکیل میداده است.

حاجی زین العابدین شیروانی در کتاب بستان السیاحه درباره تویرسر کان چنین میگوید:

... قصبه ایست لغایت نیک و مردمش همه تاجیک از اقلیم رابع و اطرافش فی الجمله واسع. آبش از چشمه سار و لغایت خوشگوار و هوایش بسردی مایل و سازگار قرب دوهزارخانه در اوست و تقریباً صدپاره قریه معمور و... با کمی بررسی و مطالعه معلوم میگردد که تویرسر کان در قدیم الایام آباد بوده و نشانه این آبادی را در آثار و ابنیه که از گذشته باقیمانده است میتوان جستجو کرد. مؤلف حرات البلدان ناصری مینگارد:

در سرکان و نیز در توی این او آخر عمارت خوبی ساخته اند و کاروان سرائی که در این قصبه ساخته شده منحصر است به کاروان سرائی دو طبقه فوقانی و تحتانی از بناهای مرحوم میرزا شفیع تویرسر کان که از کفات رجال این دولت جاوید شوکت بوده و بعد از او حاجی میرزا رضاقلی خان کلانتر نتیجه ای بنا کرده و آن نیز بنای خوب است. مسجد جامع قصبه نیز با سایر اماکن مناسب بود در محله جولستان واقع است در سه محله دیگر که رزهان، باغوار و پائین محله باشد مساجد باندازه و در خور محل موجود است. مدرسه تویرسر کان منحصر است به مدرسه ای که شیخ علیخان زنگنه وزیر شاه سلیمان صفوی ملقب به اعتمادالدوله در آن بنا کرده است.

از زیارتگاههای معروف این ناحیه یکی امامزاده معروف به شازید است که ناقصه يك میدان راه است و یکی امامزاده ناصر است که آنرا برادر حضرت امام رضا (ع) میدانند و نزدیک است به قریه کرزان و مزرعه کلنجان و امامزاده معروف به امامزاده عبدالله که وصل به آرتیمان است. مقبره حقیق پیغمبر یهود در يك کیلومتری شهر واقع شده و مشهور است که در زمان سلطنت شلمانصر پادشاه آشوریه ایران دعوت به تبلیغ دین کلیمی اشتغال داشته است و...

اکنون تنی چند از نیکوکاران تویرسر کان از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

۱- شیخ علیخان زنگنه

درفصول گذشته از شیخ علیخان زنگنه واز خدمات این شخص نیکو کار و خیر که در غالب شهرهای ایران انجام داده سخن بمیان آمده است . واین نام برای خوانندگان عزیز مأنوس و آشناست. مرحوم شیخ علیخان زنگنه در تویسرکان مدرسه‌ای احداث نموده که بالغ بر ۴۰ حجره مسکونی دارد و عده‌ای از طلاب علوم دینی در آنجا مشغول فراگیری علوم میباشند. این مدرسه بعلت قدمت رو به ویرانی میرفت که اخیراً بوسیله انجمن آثار ملی تعمیر و مرمت گردیده است.

۲- مرحوم حاج میرزا دباغی

دبستان محمدیه که اکنون عده‌ای از نوبادگان در آنجا مشغول تحصیل هستند بوسیله مرحوم حاج میرزا دباغی ساخته شده است. این دبستان رأساً و بهزینه این شخص نیکو کار احداث گردیده است. دبستان محمدیه در پشت شهرداری همدان واقع است.

۳- مرحوم میرزا همایون

مسجد جامع تویسرکان بوسیله مرحوم میرزا همایون امام جمعه ساخته شده است . این مرحوم رأساً در بنیان این مسجد اقدام نموده و با کوشش بسیار این مسجد عظیم را بنیان نهاده است.

۴- مرحوم میرزا شفیع مستوفی الممالک

مرحوم میرزا شفیع در زمان خود مسجد پائین محله را رأساً و بهزینه خود بنیان نهاد که در اثر قدمت رو به ویرانی میرفت تا اینکه در چند سال اخیر بوسیله

افراد خیر و نیکوکار تویسرکان تجدید بنا گردید و بطرز مدرن و مجللی ساخته شده و بنام مسجد حضرت امام حسین علیه السلام نامگذاری گردید.

۵- مرحوم عنایت اله باقری

مسجد محله رزهان مسجدی بود قدیمی و بسیار محقر که بوسیله مرد مؤمن و باایمانی بنام مرحوم عنایت اله باقری تجدید بنا شده است. مسجد محله رزهان بهزینه شخصی این مرد خیر ساخته شده است. علاوه بر ساختمان مسجد مذکور مرحوم عنایت اله باقری مسجد دیگری در محله دستجرده بنیان نهاده است که بنام مسجد امام زمان در تویسرکان معروف است.

۶- میرزا اسماعیل قاضی

مرحوم میرزا اسماعیل قاضی در تویسرکان پل قاضی را احداث نموده است این پل در داخل شهر میباشد این پل در حدود ۲۰۰ سال پیش ساخته شده است و بعلت قدمت روبه ویرانی و انهدام میرفت که اخیراً از طرف دولت مرمت و تجدید بنا شده و اکنون مورد استفاده اهالی تویسرکان میباشد.

۷- مرحوم حاج محمد رضا صدر

قناتی درپائین محله تویسرکان بهمت مرحوم حاج محمد رضا بهزینه شخصی احداث گردیده که اکنون نیز مورد استفاده است. این قنات معظم بنام بانی آن مشهور است.

۸- مرحوم حاج محمد اسماعیل

این شخص نیکوکار درپائین محله تویسرکان اقدام به احداث قناتی نموده

که بنام قنات حاج محمد اسماعیل نامیده میشود مرحوم حاج محمد اسماعیل رأساً بهزینه خود بساختن این قنات همت گماشت و اکنون بعد از گذشت سالیانی دراز یکی از بهترین قنات تويسر کان محسوب میگردد.

۹- مرحوم حاجی باقر

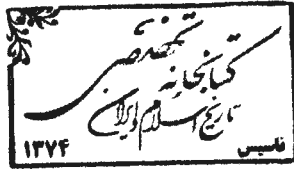
این مرحوم در قریه دو قلعه تويسر کان پلی ساخته است که بنام پل دو قلعه معروف است این پل بعثت قدمت رو به انهدام میرفت که اخیراً از طرف دولت تجدید بنا شده است.

۱۰- خانم سرهنگ

این بانوی خیر و باایمان در راه مبارک آباد تويسر کان اقدام به ایجاد پلی نموده که بنام پل خانم سرهنگ معروف است علاوه بر پل مذکور پل دیگری بنام پل کرزان بوسیله ایشان ساخته شده که هر دو پل اکنون مورد استفاده عموم میباشد. علاوه بر خدماتی که افراد خیر تويسر کان انجام داده اند و بنام بانی آنها در صفحه تاریخ ثبت گردیده و نام آنها را جاودانه ساخته است اقدامات عام المنفعه دیگری در تويسر کان وجود دارد که بطور مجتمع و با کوشش همگان انجام شده و شایسته است نامی از آنها برده شود.

قنات محله باغوار

این قنات در حدود ۳۰۰ سال پیش ساخته شده است و در ایجاد آن افراد خیر بیشماری شرکت داشته اند این قنات پس از گذشت سالیانی دراز اکنون نیز مورد استفاده عموم میباشد.



قنات محله رزهان

این قنات نیز در قدیم بهمت اهالی تویسرکان ساخته شده است و اکنون نیز مورد استفاده میباشد برای حمام محله رزهان نیز از آب این قنات استفاده می نمایند.

قنات محله جولاستان

قنات مذکور به یاری اهالی و با کمک آنها در قدیم ساخته شده است این قنات بعلت عدم مرمت فعلاً استفاده کمی دارد فقط در بعضی از منازل از آب آن استفاده می نمایند.

پل شاه زیاد

بانی این پل بانوی نیکوکار کلاف ریسی بوده است این پل هنوز پا برجاست و مورد استفاده میباشد

مسجد اعظم

این مسجد در محله جولاستان قرار دارد که اخیراً از طرف مردم نیکوکار و با ایمان تویسرکان تجدید بنا و وسیع شده است.

مسجد امام صادق علیه السلام

این مسجد در محله صادقیه واقع شده است که در چهار سال قبل بوسیله مردم خیر ساخته شده و اکنون مورد استفاده می باشد.

مسجد محله توکلی

این مسجد در قدیم بسیار كوچك و محقر بود و اخیراً از طرف اهالی تویسرکان تجدید بنا گردید و توسعه یافت اکنون این مسجد در محله توکلی واقع شده و مورد استفاده مؤمنان میباشد.

اسدآباد و نیکو کاران آن دیار

از تاریخ پیش از اسلام اسدآباد اطلاع صحیحی در دست نیست ولی راجع
بتاریخ بعد از اسلام بنا بقول مورخین عرب مانند ابن حوقل، اسدآباد شهری بوده
و جماعتی از اهل علم و حدیث بدان منسوب بوده اند صاحب احسن التقاسیم میگوید:
مسجد جامع جدید البنای اسدآباد در کوچه باصفای آن واقع و قصر کسری
در یک فرسخی آنجاست و شهر دیگر سیراوند میباشد که در دامنه کوه و در قسمت
غربی اسدآباد واقع شده است.

در کتاب حق الیقین تألیف مرحوم مجلسی در فصل رجعت صفحه (۱۳۷ و ۱۳۸)
بروایت از ابن بابویه که از گفتار احمد بن فارسی اقتباس نموده و کتاب لجار (صفحه
۱۶۵) که از کتاب کمال الدین نقل شده راجع به علوم مقام حاج عبدالله راشد سطوری
نوشته و در ضمن از عمارتها و مناره مسجد اسدآباد هم اسم میبرد.
باتوجه بگفتار مورخین عرب که قصر کسری را درشش کیلومتری سیراوند
(یکی از قصبات فعلی اسدآباد) نام میبرد باید خرابه های ساسانی در ۱۸ کیلومتری

قسمت غربی اسدآباد که فعلاً ده آجین و دهکده منور تپه یافروز آباد است باشد که بواسطه خوبی آب و هوا ازدهات مرغوب بخش اسدآباد است. از این قسمت چنین نتیجه گرفته میشود که اسدآباد قبل از اسلام موقعیت مهمی داشته و مسکوکات دوره ساسانی که در حدود ۱۱ سال قبل در صحاری قریه خاکریز در موقع آبیاری کشف و در همان تاریخ بفرهنگک همدان ارسال گردیده مؤید این نکته است.

چنانچه مشهور است بعد از غلبه عرب اهالی اسدآباد بقوم تازی تمکین نکرده و بعد از مقاومت زیاد متواری شدند و شهر بواسطه قتل و غارت عربها بصورت ویرانه‌ای در آمد ولی بامرسعد وقاص سردار عرب در جایگاه امروزی کمی بطرف قسمت جنوبی اسدآباد شهر تازه‌ای بنام سعدآباد بنا گردید که بعداً بعلت کثرت استعمال بنام اسدآباد مشهور گردید.

چنانچه در بالا اشاره نمودیم اسدآباد سابقه تاریخی نسبتاً کهنسالی دارد و در این دوره نسبتاً طولانی مردانی بس مهم از این دیار بپا خاسته‌اند که از مهمترین آنها میتوان سید جمال‌الدین اسدآبادی را که نامی پر آوازه در جهان دارد نام برد و هم‌چنین نیکوکاران که خدماتی ارزنده انجام داده در اسدآباد کم نیستند که ما اکنون باختصار مهمترین آنها را یاد آور میشویم:

۱- حاج میرزا آقا جانی

در زمان محمد شاه قاجار و فتحعلیشاه قاجار میزیسته است. این شخص از مردان مشهور و خیرخواه اسدآباد بوده که خدمات عام‌المنفعه زیادی برای این شهر انجام داده و زندگی خود را صرف خدمت مردم نموده است. اقدامات این مرد نیکوکار عبارتند از:

مسجدی در اسدآباد که بنام خود این شخص بنام مسجد میرزا آقا جانی اکنون پابرجاست. هم‌چنین یکباب حمام و یک آب انبار و یک میهمانخانه در سر

راه اسدآباد همدان دایره نموده که مسافران و کاروانها از آن استفاده می نمودند .
 مهمترین کاری که این شخص خیر انجام داده تعمیر و اصلاح قنوات اسدآباد
 میباشد که مخصوصاً در زمان قدیم اهمیت حیاتی داشته است چون در آن زمان آب
 مشروب برای مصرف اهالی اسدآباد وجود نداشته و مردم از این بابت خیلی در
 مضیقه بوده اند. و این شخص قنوات را با کوشش و دشواری خیلی زیادی مرمت
 نموده و مردم را از این مضیقه رهایی بخشیده است. این کار بسختی زیادی انجام
 گرفت چنانکه حاج میرزا آقا جانی در وصیتنامه اش قید نموده:
 ... که ما تا آخرین چاه رفتیم و در آنجا به سنگ بزرگی برخورد کردیم که از
 گوشه آن آب بیرون می آمد ، شکافتن آن سنگ بسیار مشکل بود چنانکه عده ای
 ناامید شدند ولی چون نیت خیری داشتیم خدا نیز بما کمک نمود و موفق شدیم.

۲- سید کاظم خان فاطمی معروف به سالار ناصر

این شخص در سال ۱۳۰۴ - ۱۳۰۸ شمسی در اسدآباد حاکم (بخشدار)
 بوده و در این زمان آب آشامیدنی اسدآباد در خارج شهر بصورت چشمه ای بنام
 درویشان بوده که آوردن آب از آن محل به سختی صورت میگرفته و اهالی از این
 بابت بسیار ناراحت و در تنگنا بوده اند تا اینکه سالار ناصر بازحمات خیلی زیاد
 اقدام به تعمیر و مرمت و رسانیدن آن به اسدآباد نمود چنانکه اهالی اسدآباد همه
 مطلع هستند این شخص نیکوکار و خیر شخصاً با کارگراها و مقنی ها درون چاه
 کار میکرده و بدون کمک دولتی و بودجه اقدام به اصلاح قنات که زندگی مردم
 بآن قائم بود کرده است. در موقع ایجاد قنات افراد محلی هم زحمات زیادی کشیده اند
 که از میان آنها زحمات سید شفیع امام جمعه وقت را باید متذکر شد.

اکنون بعد از گذشت پنجاه سال همه مردم از پیرو جوان و حتی بچه ها از
 سالار ناصر بخوبی یاد میکنند و این نام برای همه اهالی اسدآباد مانوس و آشناست
 و خدمات این مرد نیکوکار دهان به دهان گشته و از هر کس در اسدآباد سراغ مرد

خیری را بگیرد، بیدرنگ نام سالار ناصر را بزبان خواهند آورد.
سالار ناصر خدمات دیگری نیز انجام داده مانند دایر نمودن اولین دبستان
بنام دبستان جمالی و هم چنین دبیرستانی بنام سید جمال الدین که اکنون دانش آموزان
زیادی در آنجا مشغول تحصیل میباشند.

۳- آقای ابوالحسن جمالی

در زمان قدیم هر سال بعلت جاری شدن سیل اسد آباد خسارت زیادی اعم از
مالی و جانی میدید تا اینکه ابوالحسن جمالی به پیروی از خدمات سالار ناصر اقدام
به ایجاد سدی در خارج اسد آباد نمود که در حقیقت يك سیل بر گردان می باشد و از
نفوذ سیل بشهر جلوگیری می نماید.

۴- شیخ علیخان زنگنه

این شخص در همدان نیز خدماتی ارزنده انجام داده و در اسد آباد آب انباری
در ابتدای بازار اسد آباد ایجاد نموده است. در این آب انبار درجه استحکام و سلیقه
بکار رفته و پشت بام آن محاذی کف بازار است که دارای ۱۸ عدد پله چهارمتری است.

۵- حاج ابراهیم خان خدائی

این شخص نیکوکار ساکن یکی از روستاهای اسد آباد بوده و اقدام به
ساختن مسجد شاه طهماسب نموده این مسجد با هزینه نامبرده ساخته شده است.

۶- حاج صحبت اله خرمی

زمینی در حدود ۴۰۰۰ متر مربع بقیمت تقریباً ۴۰۰/۰۰۰ تومان جهت احداث

دبیرستانی در اسدآباد وا گذار نموده است.

۷- میرزا رضا جمالی

این شخص نیز زمینی جهت ایجاد مدرسه‌ای وا گذار نموده است.

۸- صفات اله جمالی

گرچه بعلت بی بضاعتی نتوانسته از نظر مادی خدماتی انجام دهد ولی خدمات معنوی ارزنده و زیادی به اهالی این شهر نموده است. همه اهالی اسدآباد صفات اله جمالی را بنام آقای مدیر می‌شناسند. این شخص بنیانگذار فرهنگ نوین در اسدآباد بوده و اولین دبستان و دبیرستان بصورت نظام نوین بهمت این شخص انجام گرفته است. چنانکه خودش میگوید:

« در زمان قدیم بعلت کمبود امکانات و وسائل، تحصیل خیلی مشکل بود من بامساعدت و همکاری اهالی و باسعی و کوشش اولین دبستان را بنام دبستان جمالی و اولین دبیرستان این بخش را بنام دبیرستان سید جمال الدین دایر نمودیم. هم‌چنین دبستانهای متعدد پنج کلاسه و چهار کلاسه در روستاهای توابع دایر که اکنون عده‌ای از جوانان در آنجا مشغول تحصیل هستند که من بادیدن این جوانان احساس غرور میکنم وبر مصداق آیه شریفه (من احیاء الناس کما احیاء الناس جمیعاً) احساس میکنم که این جوانان را احیا وزنده کرده‌ام وخدارا سپاسگزارم که در مدت عمر این توفیق را بمن عطا فرمودند که خدمت خلق نمایم. آری آن عبادت که قبول است بود خدمت خلق

این عبادت بکند هر که سعادت مند است

۹- حاجی بو کائی

در اسدآباد کسی نیست که حاجی بو کائی را نشناسد و از خدماتی که برای

این بخش انجام داده است اطلاع نداشته باشد. این شخص متدین و با ایمان کارهای عام‌المنفعه‌ای که انجام داده فقط برای رضای خدا و خدمت بخلق بوده است و عمریست که باین خدمت کمر همت بسته است. خدماتی که انجام داده عبارتند از: مسجدی است در اسدآباد با بنائی زیبا، که بر روی مسجد قدیمی شهر که ویران شده و این شخص مسجد را به طرز آبرومندانه‌ای نوسازی نموده است. از کارهای دیگر آقای حاجی بوکائی بیمارستانی است که در این بخش بنا نهاده و هم اکنون در حال ساختن این بیمارستان است. این بیمارستان در آینده میتواند بیماران زیادی را مداوا و درمان کند.

بهار و مشاهیر و نیکو کاران آن دیار^(۱)

بهار شهر کی است در ۱۵ کیلومتری همدان با جمعیتی در حدود ۱۵ هزار نفر بازمستانهای سرد و تابستانهای معتدل و فرح بخش. اطرافش مملو از درختزار و تاکستان و صیفی کارست. مردمی خونگرم و غیرتمند دارد. از سابقه‌ی تاریخی این شهر جز اشاره‌ای که حمداله مستوفی مورخ نامی قرن هشتم هجری در کتاب «نزهة القلوب» نموده آگاهی چندانی نداریم. اصطخری صاحب المسالك والممالك و یاقوت حموی صاحب المعجم البلدان و دیگران در این باب اشاره‌ای نکرده‌اند و عدم اشاره در این مورد با توجه بنازک‌بینی‌های این دو نفر جغرافیدان که حتی دهات معروف همدان عصر خویش را نام برده‌اند به نظر میرسد که بهار فعلی بعد از حمله مغول بنا شده است و بنا به گفته مستوفی در ابتدا قلعه‌ای بیش نبوده که دارالملک سلیمان شاه مغولی بوده است. «بهار قلعه ایست و در زمان شاه سلیمان دارالملک او بوده»^(۲)

۱- اقتباس از کتاب «بهار و مشاهیر آن» نوشته آقای اردشیر بهمنی

۲- نزهة القلوب- در ذکر بقاع کردستان صفحه ۱۲۷ تصحیح دبیر میاقتی سال ۱۳۳۶

آنچه از گفته مستوفی استنباط می‌گردد این است که سلیمان شاه بهار فعلی را که مسلط بر حوزه‌ی حکمرانی وی (کردستان و همدان) بوده بعنوان پایگاه و دارالملک برگزیده و در آنجا قلعه‌ای ساخته که بعدها در اثر مرور زمان ساکنین این قلعه که از بازماندگان قوم مغول بودند در آن قلعه مانده و به توسعه آن همت گمارده‌اند و اکنون نیز در بهار فعلی محله وسیعی است که (قلعه) خوانده میشود که از دو قسمت تشکیل شده (قلعه) و (دولر قلعه) و دولر قلعه بمعنای خانه‌ی دیوان میباشد.

وجود این قلعه‌ها میرساند که بهار در قدیم قلعه‌های بزرگ بوده است که بمرور زمان وسعت یافته و بصورت فعلی در آمده است. و درباره نام بهار شاید با توجه بهوای معتدل و فرحبخشی که این شهر در بهار و تابستان دارد این نام را بر آن برگزیده‌اند و یا ساکنین بعدی اینجا طایفه‌ای از ایل بهارلو بوده‌اند که نام ایل خود را باین محل داده‌اند و یا این نام از بتخانه معروف نوبهار که از پرستشگاه مغولان بوده اتخاذ گردیده است؟

زندگی و سرگذشت مردمانی که در قدیم در این دیار میزیسته‌اند هم چون تاریخ گذشته بهار در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. اما وجود مدارس و مساجد و قنوات متعدد و دیگر تأسیسات عام المنفعه دیگر حکایت از مشاهیری بزرگ و بزرگان این شهرک می‌نماید. بزرگانی که در فراز و نشیب زندگی با کمکهای مادی و معنوی مردم را یاری کرده و باین عمل نام خود را در تاریخ جاودانه ثبت کرده‌اند. از مشاهیر و بزرگان بهار که علم و دانش را در این دیار اشاعه نموده‌اند میتوان از چند نفر نام برد:

۱- حاج شیخ محمد بهاری

فرزند میرزا محمد بهاری نجفی در نجف اشرف میزیست. و در آنجا مجالس درس و تعلیم داشت و در سال ۱۳۲۵ قمری زمانیکه قصد زیارت مشهد داشت در مراجعت دچار کسالت گردید و بوضعیت خویش اورا به بهار آوردند و در آنجا فوت

نمود. از نامبرده کتابی بنام تذکرة المتقین باقیمانده است. وی مردی عارف مسلک بوده و در اشاعه علم و ادب و ارشاد مردم بهار سهم بسزائی داشته است.

۲- حاج شیخ محمد باقر بهاری

فرزند محمد جعفر از بزرگان و فقهاء و محدثان همدان بوده که در سال ۱۳۱۶ قمری از نجف بهمدان برگشت از وی ۶۰ جلد کتاب و رساله باقیمانده است مانند الدعوه الحسینیه و روح الجوامع و غیره...
وی از مشروطه خواهان بنام بوده است و از نظر علم و دانش کمکهائی زیادی بمردم همدان و بهار نموده است.
حاج شیخ محمد باقر گنبد مسجد جامع را ساخته و طاق آنرا تعمیر نموده است.

۳- حاج بهمن بهاری

اولین دبستان پسرانه بهار بنام دبستان هدایت بوسیله مرحوم حاج بهمن بهاری ساخته شد و هم چنین يك باب حمام عمومی بوسیله هزینه شخصی ایشان ساخته شده که از نظر معماری بسیار جالب میباشد و اکنون نیز یکی از بهترین حمامهای بهار بشمار میآید. در ساختمان این حمام از سنگهای یکپارچه استفاده گردیده و از نظر استحکام و معماری بسیار جالب است. این حمام اخیراً بوسیله نوادگان آن مرحوم تعمیر و مرمت گردیده است.

۴- حاج سیف‌اله بهمنی

فرزند مرحوم حاج بهمن بهاری یکی از نیکوکاران بهار است که عمری را بخدمت خلق مشغول بوده و اکنون بعد از گذشت سالیان دراز مردم از خدمات بی‌شائبه‌ای که انجام داده‌اند استفاده می‌برند. خدمات ارزنده مرحوم سیف‌اله بهمنی

عبارتند از :

۱- اهداء زمینی جهت احداث دبستان بهمنسی بهار و کمک در هزینه و احداث آن .

۲- تعمیر و مرمت حمام عمومی بهار که توسط پدر نامبرده ایجاد گشته بود.

۳- کمک به ایجاد دبستان هدایت وسایر مدارس بهار و تعمیر و مرمت دبستانهای قدیمی

۴ - مشارکت و همکاری در ساختمان درمانگاه سازمان شاهنشاهی .

۵- کمک به مستمندان وامور اجتماعی وخیریه .

۶- مبارزه با ملاکین جهت احقاق حق کشاورزان در تمام عمر .

شهرداری بهار جهت سپاس از خدمات نامبرده خیابان کمربندی جدید بهار را بنام ایشان نامگذاری نموده است.

امزاجرد

امزاجرد یکی از دهات تابع بخش بهار میباشد که بفاصله کمی از این بخش واقع است. این روستا باتوجه به کوچکی و کم وسعی افراد خیر و نیکوکاری در دامن خود پرورش داده که باختصار بشرح آن میپردازیم:

۱- حاج نجف نجفی

این شخص نیکوکار در قریه امزاجرد در حدود ۱۲۰ سال پیش اقدام به ساختن پلی نموده است که اکنون نیز بنام پل حاج نجف پابر جاست.

۲- حاج مهدیقلی بهبودی

در حدود صد سال پیش حمامی در قریه امزاجرد بوسیله مرحوم بهبودی

ساخته شده که این حمام بنام سازنده آن مشهور است

۳- حاج یداله زمانی

در سال ۱۳۵۳ بوسیله این شخص نیکوکار پلی بر روی رودخانه قریه
امزاجرد ساخته شده است.

۴- حاج صفرعلی داوری نژاد

اخیراً مسجدی در قریه امزاجرد بهمت حاج صفرعلی داوری نژاد ساخته
شده است که بنام مسجد صاحب الزمان مشهور است.

کبوتر آهنگ و نیکو کاران آن بخش

کبوتر آهنگ در ۶۰ کیلومتری همدان واقع است و یکی از بخش‌های همدان محسوب می‌گردد. این بخش در قدیم روستای کوچکی بوده و اکنون وسیع شده و بصورت يك بخش بزرگی درآمده است که در آنجا تأسیسات رفاهی زیادی به چشم می‌خورد.

با شرحی مختصر از مردان بزرگی که باین بخش و مردمان آنجا خدمت نموده و در آبادانی و پیشرفت آن کوشیده‌اند یادشان را گرامی میداریم:

مرحوم حسینقلی قراگزلو (امیر نظام)

نه تنها در بخش کبوتر آهنگ بلکه در سایر بخش‌های تابعه همدان و حتی در خود شهر همدان تأسیسات عام‌المنفعه زیادی از مرحوم امیر نظام بیادگار مانده است و خدمات زیادی که این مرد بزرگ انجام داده نامش را جاودانه ساخته و همه

از این مرد خیر با احترام یاد می کنند.

گوشه‌ای از خدمات مرحوم امیر نظام بشرح زیر است :

- ۱- ساختن یکباب دبستان دربخش کبوتر آهنگ
- ۲- احداث قناتی در کبوتر آهنگ که اکنون نیز مورد بهره‌برداری است .
- ۳- ایجاد یکباب درمانگاه در کبوتر آهنگ که عده بیشماری در آنجا مداوا می شوند.

۴- تجدید بنا و تعمیر کلی سه باب مسجد در کبوتر آهنگ

۵- در زمان جنگ جهانی دوم که همدان وقراء تابعه آن دچار قحطی شدید شده بود و مردم بادر دگر سنگی دست به گریبان بودند مرحوم امیر نظام کمک زیادی بمردم نمود. یکی از کارهای مهم آن مرحوم در زمان قحطی این بود که نان را کیلوئی ۲۰ را خریداری و آنرا کیلوئی دوریال بمردم میفروخت و با این اقدام نیکو کارانه عده زیادی را از چنگال مرگ رهانید.

- ۶- ایجاد قناتی در امیر آباد که یکی از قراء تابعه کبوتر آهنگ است.
- ۷- ایجاد ۲۲ باب دبستان در بلوک حاجیلو که تمامی این مدارس را با سرمایه خودش ساخته و اکنون عده زیادی در آنجا مشغول تحصیل هستند.
- ۸- ایجاد قناتی در سردار آباد که یکی از قراء کبوتر آهنگ است.
- علاوه بر اقدامات فوق که در بخش کبوتر آهنگ صورت گرفته مرحوم امیر نظام خدمات دیگری در سایر بخش‌ها و هم چنین در همدان انجام داده است که اکنون نیز بعد از گذشت سالیان دراز باز مردم از این خدمات استفاده می نمایند.

مرحوم حسن سلطان بهرامی

مرحوم بهرامی در قابق تپه مسجدی بنا نهاده است قابق تپه یکی از قراء کبوتر آهنگ است.

مرحوم آقاملی فرجی کبوتر آهنگی

در کبوتر آهنگ حمام نو بوسیله مرحوم فرجی با هزینه شخصی ایجاد شده است این حمام اخیراً از طرف بهداشت تبدیل به دوش گردیده است .

مرحوم حاج فتح اله

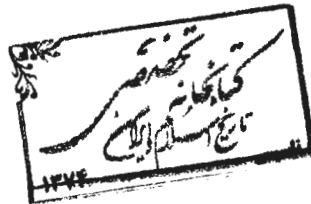
در کبوتر آهنگ یکباب حمام و یکباب مسجد بنام مسجد جامع بوسیله مرحوم حاج فتح اله ساخته شده است.

حاج محمد شریفی

بهمت حاج محمد شریفی در آق تپه قناتی ایجاد شده است این قنات اکنون مورد استفاده اهالی آق تپه میباشد. آق تپه یکی از قراء کبوتر آهنگ است.

حسین خان حبیبی

این شخص نیکو کار پلی در قزلجه احداث نموده است هم چنین راه قزلجه بوسیله حسین خان حبیبی ساخته شده است.



منابع

برای فراهم آوردن این مجموعه از گرامی کتابهایی یاری گرفته و نهایت استفاده را نموده‌ام. این گرامی کتابها عبارتند از:

- ۱- هکمتانه - نگارش سید محمد تقی مصطفوی .
 - ۲- نزهة القلوب - * حمداله مستوفی .
 - ۳- تاریخ ادیان - * علی اصغر حکمت .
 - ۴- زرتشت و تعالیم او - * هاشم رضی .
 - ۵- بیست و چهار مقاله برهانی - محمد تقی یوسفی همدانی
 - ۶- مسیح چه میگوید ؟ - رابرت بویرمانگر .
 - ۷- گلستان سعدی - سعدی .
 - ۸- مجموعه قوانین زرتشت یا وندیداد اوستا - دکتر موسی جوان .
 - ۹- سخنان پیامبر بزرگ اسلام - از انتشارات جنبش ملی نیکوکاری .
 - ۱۰- نهج البلاغه - ترجمه ابوالقاسم پاینده .
 - ۱۱- سخنان محمد ص - ابوالقاسم پاینده .
 - ۱۲- جغرافیای همدان - رضا خزائل کردستانی .
- درخاتمه باید از کسانی که اطلاعاتی در اختیار اینجانب گذاشتند نهایت تشکر را بنمایم و از اینکه بعلت طولانی شدن مطلب نامشان در این مجموعه برده نشده پوزش می‌طلبم .

ابراهیم محمدی